

هشدار امام!

(...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



آیت الله جوادی آملی در دیدار با فراکسیون دانشجویان دانشگاهیان:

نتیجه «ایران منهای اسلام» چیزی جز ذلت نیست

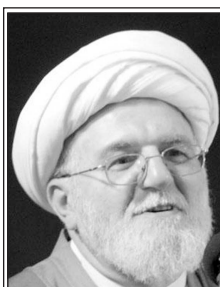
صفحه ۱۶



متن کامل مصاحبه با استاد
سید هادی خسروشاهی:

رابطه با مصر یا: نامی
در یک خیابان؟

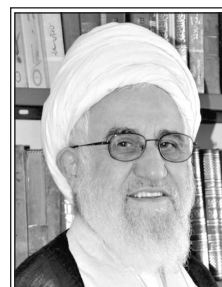
صفحه ۶



آیت الله تسخیری در دیدار با
رهبان مجلس علمای اندونزی:

جهان اسلام از علما
انتظار رهبری بیداری
اسلامی را دارد

صفحه ۱۰



آیت الله زین العابدین قربانی:

وحدت شیعه و سنی
در ایران الگوی
دیگر کشورهای
اسلامی است

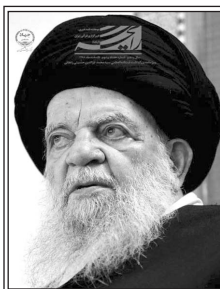
صفحه ۱۱



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

تعالی و پیشرفت
نظام اسلامی در گرو
تقریب بین مذاهب
اسلامی است

صفحه ۱۰



«رایحه» ویژه نامه
بزرگداشت آیت الله
حسینی زنجانی
منتشر شد

صفحه ۳۰



تاریخ شفاهی
چیست؟

گفتگو با استاد رسول جعفریان

صفحه ۲۰

سروده جدید حضرت آیت الله صافی در مذمت مکتب ایرانی

حضرت آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی از مراجع عظام تقلید شیعیان جهان در پانزدهمین روز از سال جاری، غزلی با رویکرد مهدوی و با مطلع "ما را ز کورش و کی و جم اعتبار نیست" سروده است.

ما را ز کورش و کی و جم اعتبار نیست
فخری به داریوش و به اسفندیار نیست
مرا به جاهلیت آن دوره کار نیست
برتر از این بشر افتخار نیست
بر دل ز کفر و شرک و شرارت غبار نیست
هرکس نداشت در دو جهان رستگار نیست
مانند این حصار به گیتی حصار نیست
در منافق و شیطنت دیو سار نیست
ما را به جز ولایت مهدی (عج) شعار نیست
در کیش ما به رنگ و نژاد اعتبار نیست
با او بگو که از تو جز این انتظار نیست
تو باش و هفت خوان و خرافات و ترهات
زنده است دین احمد (ص) و قرآن و اهل بیت (ع)
یا رب رسان امام زمان (عج) منجی جهان
پر می کند ز عدل به امر خدا زمین
آیین دین مداری و تقوا شود رواج
مؤمن عزیز گردد و کافر شود ذلیل
مرد خدا به دوره او خوار و زار نیست

آیت الله دری نجف آبادی:

اساتید و روحانیون حوزه در برابر ترویج مکتب ایرانی بایستند

آن ها در مسیر انحراف گام برداشتند.

ایران خانه امید، عظمت و پیشرفت ما
است و ستوان خیمه انقلاب اسلام است

نماینده ولی فقیه در استان مرکزی با بیان اینکه خانه امید، عظمت و پیشرفت ماست، افزود: ایران همانند ظرفی است که مفروض آن اسلام و ولایت است و تا زمانی که این مفروض برقرار باشد به اقتدار و پیشرفت و وحدت خواهیم رسید.

وی خاطر نشان کرد: فقه حکومتی اسلام و ابعاد مختلف آن موجب شده است انقلاب همچنان زنده و در دنیا تأثیرگذار باشد.

وی با تأکید بر اینکه اساس انقلاب فقاقت است، ابراز داشت: انقلاب و مبارزات صدیقه طاهره نیز بر این اساس و بر پایه درایت و ولایت بوده است که تبلور عملی آن در ساحت حضرت علی (ع) وجود داشت.

عضو مجلس خبرگان رهبری با اشاره به اینکه امروز نیز در بحرین، غزه، لبنان و لیبی شاهد مقابله جریاناتی با اسلام و فقاقت هستیم، ادامه داد: نه ماهیت جریانات و نه ماهیت اسلام، تغییری نکرده است و لشکر کشی به بحرین نیز ادامه همان ایستادگی جریانات منحرف در برابر اسلام است.

دری نجف آبادی تصریح کرد: تا زمانی که حوزه و سایر مراکز دولتی پایبند اسلام فقاقت باشد این انقلاب سر بلند و با عظمت به کار خود ادامه خواهد داد.



نماینده ولی فقیه در استان مرکزی و امام جمعه اراک از اساتید و روحانیون حوزه علمیه خواست تا در برابر موضوع انحرافی مکتب ایرانی بایستند.

آیت الله قربانعلی دری نجف آبادی در جلسه مجمع طلاب و روحانیون استان مرکزی در مسجد امیرالمومنین (ع) قم در سخنانی با بیان اینکه اسلام و فقاقت شخصیت هایی همچون امام، مقام معظم رهبری و مراجع تقلید را تحویل ما داده است، افزود: اسلام بود که همه را برای پیروزی انقلاب متحد کرد و توانست در برابر طوفان ها مقاومت کند.

وی عنوان کرد: در سالهای گذشته نیز جریاناتی در برابر اسلام و فقاقت ایستادند و با عناوینی همچون سکولار، توده ای، چپ مارکسیسمی و امروز نیز با عنوان مکتب ایرانی قد علم کرده اند.

آیت الله دری نجف آبادی ستون خیمه انقلاب را اسلام بر شمرده و عنوان کرد: اگر این ستون را با چیزهای بدلی دیگر همانند مکتب ایرانی عوض کنیم دچار آسیب و آفت خواهیم شد که در این راستا روحانیون و اساتید حوزه های علمیه باید در برابر آن بایستند.

عضو مجلس خبرگان رهبری ابراز داشت: منافقین و توده های، ملی گرایان و جریانات انحرافی بعد از انقلاب رنگ مکتب ایرانی را در برابر اسلام مطرح کردند که همه

تاریخ شفاهی چیست؟

گفتگو با استاد رسول جعفریان

دیرین دارد. نه، از آن روی که این روشی معمول نبوده، بلکه گهگاهی بوده؛ اما به عکس در دوره اخیر به صورت منظم و گسترده از تاریخ شفاهی به عنوان یک روش استفاده می‌شود، و لذا باید آن را دانش جدیدی روشی در نوع خود دانست. می‌دانیم که تاریخ نویسی قدیم به‌ویژه در حوزه تاریخ‌نویسی اسلامی، از منابع شفاهی بهره می‌گرفت و ما این را به‌خصوص در مغازی واقدی داریم که گفته‌اند واقدی به سراغ خانواده‌های قدیمی انصار و مهاجر می‌رفت و اخبار گذشتگان آن را که در عصر رسول(ص) بودند، از زبان آنان می‌شنید. گرچه این پدیده را دقیقاً نمی‌توان منطبق بر تاریخ شفاهی با ویژگی‌های امروزی آن دانست، اما به هر حال، می‌تواند پیشینه‌ای برای آن باشد. در هر حال، تاریخ شفاهی مانند بسیاری از روش‌ها و گرایش‌های موجود در علوم انسانی، در تاریخ پیشینه دارد؛ اما به عنوان یک پدیده مستقل و تعریف شده، امری جدید است.

تاریخ شفاهی در کشور ما چه پیشینه‌ای دارد؟
تاریخ شفاهی به صورت یک روش جدید، آن هم در حجمی گسترده تاریخ طولانی در کشور ما ندارد. اگر دانش خاطره‌نویسی را نوعی از تاریخ شفاهی تلقی کنیم که تا حدودی - فقط تا حدودی - باید این کار را بکنیم، می‌توانیم تاریخ شفاهی را قدری طولانی‌تر کنیم. می‌دانید که تذکره شاه طهماسب خاطرات شخصی شاه طهماسب است که در سال ۹۸۴ق در گذشته است. در دوره قاجاریه هم خاطره‌نویسی در قالب سفرنامه و نیز خاطره‌نگاری شخصی گسترش معتنابهی داشت. تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه خاطراتش را نوشته که خودش یک پدیده است. پس از آن در دوره مشروطه خاطره نگاری گسترش بیشتری پیدا کرد. با این حال تاریخ شفاهی به معنای علمی آن چیزی وری خاطره‌نویسی است. تاریخ شفاهی به‌طور خاص آن است که به انگیزه تاریخ نگاری از یک جریان یا موضوع خاص، از زبان کسی که درگیر آن ماجرا بوده، طی مصاحبه حضوری، مطالبی عرضه شود که نتیجه آن تبیین آن جریان یا موضوع است. درست است که نتیجه آن با آنچه در ویسی عرضه می‌شود، تا حدودی نزدیک است، اما تاریخ شفاهی دقیقاً برنامه‌ریزی برای درک یک ماجرا از طریق گفتگوی حضوری و مصاحبه است. سابقه این کار در کشور ما چندان طولانی نیست. به نظرم نخستین تجربه مهم در حوالی انقلاب، خاطرات شهید عراقی است که برای نخستین بار انتشار یافت. بعد از آن باید کار بنیاد تاریخ را با مدیریت آقای معادیخواه سنگ بنای تاریخ شفاهی دانست؛ مطالبی که طی مصاحبه حضوری و جمعی مطرح شده و در مجله یاد منتشر می‌شد. مجله حوزه هم در این راه گام‌هایی را در دهه دوم برداشت که بیشتر در باره تاریخ حوزه و بسیار عالی بود.

همزمان که این قبیل کارها در ایران صورت می‌گرفت، طرحی هم در دانشگاه هاروارد برای تاریخ شفاهی ایران مطرح شد که آن هم محصولات خاص خودش را داشت. افرادی هم به صورت محدود خودشان در اروپا این کار را کردند. بعد از این اقدامات بود که تاریخ شفاهی در ایران و بیرون ایران در ارتباط با ایران نضج گرفت. حالا البته یک نوجوان شانزده هفده ساله شده است.

نقش جنگ و تاریخ جنگ در تاریخ شفاهی ما چه اندازه است؟

در واقع گام اصلی در زمینه تاریخ شفاهی با تاریخ جنگ برداشته شد؛ یعنی پس از موضوع تاریخ انقلاب، چه از افق دید انقلابیون و چه ضد انقلابها، تاریخ شفاهی جنگ بود که این دانش را در ایران بارور

اشاره: تاریخ شفاهی یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجرا می‌پردازد. متون این تاریخ حتی در صورت مکتوب شدن، خصلتی گفتاری دارد. در فرآیند مصاحبه تاریخ شفاهی دو عامل مصاحبه‌کننده و راوی ارتباطی تنگاتنگ یافته، مصاحبه‌کننده به عنوان یک شنونده فعال نقشی بسیار اساسی را ایفا می‌کند تا مصاحبه شونده (راوی) در فضایی آرام و بی‌دغدغه به شرح و بسط دیدگاه‌ها و شنیده‌های خود بپردازد. بدیهی است نقش مصاحبه‌گر در این میان، نقشی فعال و پویاست و گفت‌وگو متقابل این دو عامل با به کارگیری شیوه‌های اصولی و استاندارد مصاحبه تاریخ شفاهی به آشکار شدن زوایای پنهان تاریخ و بازسازی دوباره آن منجر می‌شود.

گفته شده که تاریخ شفاهی هم جدیدترین و هم کهن‌ترین شیوه تاریخ‌نگاری است. انسانها تاریخ خود را از طریق نقل و روایت اشعار و افسانه‌های منقول به نسل‌های بعدی خود انتقال دادند. این شیوه انتقال تاریخی در ایران و اسلام سابقه بس غنی و عمیقی دارد. پس از جنگ جهانی دوم و اختراع ضبط صوت، تاریخ شفاهی به عنوان یک منبع تاریخی با ارزش پذیرفته شد. تاریخ شفاهی به شیوه امروز برای اولین بار در سال ۱۹۴۸م در دانشگاه کلمبیا پایه گذاری شد و پس از تشکیل انجمن تاریخ شفاهی در سال ۱۹۶۶م و سپس تأسیس بخش تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۷م وسعت بیشتری یافت و به عنوان مبحثی جدی در محافل پژوهشی و تاریخی جهان شناخته شده و مورد قبول واقع گردید. تاریخ شفاهی در مفهوم جدید آن در ایران اگرچه سابقه چندانی ندارد، ولی می‌توان گفت با وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد ضرورت بررسی ریشه‌های انقلاب و پیامدهای آن شامل وقایع سیاسی چند دهه اخیر، اهمیت ابزار تاریخ شفاهی دو چندان گشت و به سرعت منجر به تأسیس مراکزی چون بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی و گروه‌های تاریخ شفاهی موسسه مطالعات تاریخ معاصر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و... گردید. گفتنی است سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از جمله مراکزی است که با تلاش بی‌وقفه و مستمر و به دور از هر گونه شائبه سیاسی و اجتماعی همچنان مستقل و پویا در راه اهداف خود کوشیده و تلاش داشته تا به دور از جانبداری، امانتدار شایسته‌ای برای ثبت، ضبط و نگهداری صدای تاریخ معاصر باشد.

آنچه در پی می‌آید، گفتگویی است با حجت‌الاسلام والمسلمین جعفریان در باره تاریخ شفاهی که در آن به نقاط قوت و ضعف کار در حوزه تاریخ شفاهی پرداخته‌اند و از پایگاه اینترنتی کتابخانه تخصصی اسلام و ایران برگرفته شده است. گفتنی است که استاد جعفریان در سه موضوع تاریخ اسلام، تاریخ عصر صفوی و تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشهای پرباری کرده‌اند و کتاب‌های متعددی به چاپ رسانده‌اند.

آیا "تاریخ شفاهی" پدیده تازه‌ای در عرصه تاریخ‌نویسی است؟

از یک جهت آری و از جهاتی نه. آری، از این جهت که مورخان قدیم نیز برای نگارش تاریخ معاصر خویش از برخی از منابع شفاهی استفاده می‌کردند. می‌توان گفت تاریخ شفاهی سابقه



کرد و در عمل به کار بست.

توانایی مصاحبه‌گر در اطراف آن موضوع نباید کمتر از مصاحبه‌شونده باشد. او باید کاملاً بر موضوع احاطه داشته باشد و تلاش کند تا مصاحبه‌شونده را به حرف آورده و مانع از بیراهه رفتن او بشود. پس از خاتمه کار هم باید ضامنه و پیوسته و پاورقی‌های خاص خود را داشته باشد. افراد ناشناخته را بشناساند، توضیحات بیشتری را در اطراف برخی از موضوعات بدهد و به هر حال کار را در یک چهارچوب روشن عرضه کند. این روشی است که اکنون در بیشتر تواریخ شفاهی ماریت نمی‌شود.

مزیت این روش، یعنی تاریخ شفاهی بر اساس مصاحبه، برای شناخت ماجرا و موضوعی که می‌تواند از دیدگاه‌های دیگری هم مورد بررسی قرار گیرد، فراوان است. در واقع وقتی شما شکل‌گیری یک نهاد را به مصاحبه می‌گذارید، چیزی وری اسناد مربوطه را دنبال می‌کنید. یک سند که عبارت است از داستان تأسیس آن نهاد، اساسنامه آن و یا گزارش رسمی که در آن روزگار تدوین شده، فقط می‌تواند مباحث نهایی مربوط به تشکیل آن نهاد را به شما نشان دهد. اما وقتی مصاحبه‌گر خود درگیر تشکیل آن نهاد باشد، بسیاری از مباحث پیش از تشکیل آن نهاد، نزاع‌هایی که به شکل‌گیری اساسنامه منتهی شده، ذهنیت‌ها و اهداف پشت‌پرده‌ای در تشکیل آن نهاد بوده و بسیاری از مسائل دیگر را باز گو می‌کند. در اسناد رسمی، هیچ‌گاه از انگیزه‌ها به‌طور واضح سخن به میان نمی‌آید، در حالی که در مصاحبه حضوری، بسیاری از انگیزه‌های ریز و پشت‌پرده بیان می‌شود. اینها البته وقتی است که مصاحبه‌شونده اراده گفتن آنها را داشته باشد.

ترسیم فضای حاکم بر تشکیل آن نهاد از دیگر مسائلی است که در تاریخ شفاهی مورد توجه قرار می‌گیرد. همین‌طور بسیاری از مسائلی که در تاریخ نویسی رسمی از آنها سخنی به میان نمی‌آید و اغلب تصور می‌شود که حرف‌های بی‌خاصیتی است، در تاریخ شفاهی مورد توجه قرار گرفته و حلال برخی از مشکلات کلیدی در زمینه تاریخ خواهد بود. نقش افراد در تواریخ رسمی چندان آشکار نیست، در حالی که در تاریخ شفاهی روی نقش افراد تأکید ویژه صورت می‌گیرد. اگر بخواهیم از این قبیل مزیت‌ها برای تاریخ شفاهی بیان کنیم، بسیار زیاد خواهد بود.

محدودیت‌ها و اشکالات تاریخ شفاهی در چیست؟

بارها به موضوع ایرادات تاریخ شفاهی پرداخته شده و به‌خصوص در زمینه تاریخ سیاسی، تاریخ شفاهی فاقد اعتبار یا در شمار کم ارزش‌ترین منابع یاد شده است که حرف حقی است. دلیل آن هم این است که در تاریخ شفاهی، به‌صرف آنکه به انگیزه‌ها توجه شده و یا روی نقش افراد تکیه می‌شود، در حوزه سیاست، همیشه جای چند و چون و ایراد هست. آنجا که ایراد است، همه گریزان هستند و تلاش می‌کنند خود را بی‌تقصیر جلوه دهند و آنگاه که پیروزی خاصی به دست آمده، همه خود را پیشگام و پیشقدم و مبتکر آن

کرد. حجم عظیمی که ما در محدود تاریخ شفاهی جنگ داریم، نشان‌دهنده آن است که این دانش در میان ما ایرانیان بالندگی خاصی داشته است. البته یک اشکال مهمش این است که ما بیشتر به محتوا پرداخته‌ایم و این دانش را به صورت یک ابزار علمی مورد بررسی قرار نداده‌ایم. به این معنا که اصول علمی آن را درست تبیین نکرده و بیشتری تجربی کار کرده‌ایم.

تفاوت تاریخ شفاهی با سایر روشهای تاریخ‌نگاری در چیست؟

تاریخ نویسی در معنای کهن آن به مطالبی گفته می‌شد که مورخ از طرق مختلف که یکی از آنها روش شفاهی در حد مختصر بود، به آن دست می‌یافت. آنچه مربوط به تاریخ قدیم‌تر از زمان خودش بود، از روی کتابهای دیگران می‌نوشت و وقتی به وقایع نزدیک به زمان خود می‌رسید، سعی می‌کرد با توجه به شنیده‌ها، اسناد و نامه‌ها و بیشتر شایعاتی که در بیرون از زبان افراد کوچه و بازار و یا درگیر در ماجرا می‌شنود، تاریخ خویش را بنویسد. واقع مطلب آن است که راهی جز این هم برای تاریخ نگاری نبوده و در هر حال بخشی از منابع شفاهی بوده و دقیقاً در همین چهارچوبی که اکنون ما به آن تاریخ شفاهی می‌گوییم، طبعاً به این نظم و نسق، به دست می‌آمده است.

چه چیزی ما را به سمت تاریخ شفاهی کشانده است؟

باید گفت عوامل مختلف؛ اما یک چیز مهم است و آن اینکه در گذشته، مفهوم تاریخ با آنچه امروز ما با آن روبرو هستیم، متفاوت بوده و به دلیل همین تفاوت منابع، آن نیز متفاوت بوده است. آنچه امروز ما به عنوان تاریخ علم، اختراعات، تاریخ اجتماعی، تاریخ آداب و عادات و رسوم و از این قبیل داریم، در گذشته به عنوان یک رشته و گرایش در تاریخ مطرح نبوده، گرچه موادی از آن همیشه ثبت می‌شده است. تاریخ در گذشته بیشتر مفهوم سیاسی داشته و محوریت آن هم روی پادشاه و وزیر و حاکم و در نهایت پایتخت‌ها یا شهرهای شورش و خیرساز بوده است. ممکن است دهها سال از شهری غفلت شده و زندگی عادی و روزمره آن سخنی به میان نیاید و فقط در وقت یک حادثه ذکری از آن به میان آید. اما امروزه، تاریخ مفهوم متفاوتی دارد. برای همین شهر کوچک، مسائل مهم زیادی وجود دارد. مسائلی است که بخشی را با آرشو شهر یا نشریات محلی می‌توان به دست آورد؛ اما در چهارچوب مفهوم جدید تاریخ نیاز است تا با شخصیت‌های مهم شهر، از حاکم و قاضی و دبیر و مدیر و هنرمند و غیره مصاحبه حضوری به عمل آمده و دقیقاً تغییرات آن مورد بازبینی تاریخی قرار گیرد. معنای جدید تاریخ، چیزی است که در دنیای تازه پدید آمده و گرچه مانند بسیاری از مسائل علوم انسانی نشان‌هایی از آن در دنیای گذشته وجود دارد، اما در حال حاضر به یک گرایش در علم تاریخ در آمده است.

شاخصه و ویژگی‌های تاریخ شفاهی (مزیتها و محدودیتها) کدام است؟

بنیاد تاریخ شفاهی روی دو رکن مصاحبه شونده و مصاحبه‌گر قرار دارد. در این میان قواعدی نیز برای مصاحبه وجود دارد، به علاوه موضوع مورد بحث. شما با این دو عنصر اصلی به همراه آن قواعد و موضوع محور، باید روش علمی کار را تنظیم کنید. در این باره تاکنون بحث‌های فراوانی شده است. این که چگونه مصاحبه کرد، چگونه سؤال طرح کرد، پرسش محوری کدام است، تا چه اندازه از حاشیه روی پرهیز کرد. و از این قبیل مسائلی که می‌باید آموخت و در تجربه تقویتشان

خاطرات منتشر شده و چیزی بین خاطره‌نویسی و تاریخ شفاهی است یعنی معمولاً اساس آن نگارش خود شخص است و به صورت مصاحبه تکمیل شده، مورد توجه من بوده است. در واقع به صورت تجربی با این آثار، دشواری‌ها و مسائل و مشکلاتی که پدید می‌آورد آشنا هستم. خاطرم هست که در خدمت آیت‌الله‌العظمی سیستانی بودم. ایشان می‌فرمودند که: «من غالب خاطراتی را که در ایران منتشر می‌شود، خوانده‌ام. یک مشکل آنها تناقضات شگرفی است که بین آنها وجود دارد و باید برای این کار راه حلی پیدا کرد!» خوب البته این طبیعی است. گرچه همه آنها نه، ولی طبیعی است که کسانی فراموشکار باشند یا افراد را با یکدیگر درآمیخته باشند. توجه داشته باشید که اگر در این امر کوتاهی شده باشد، بیش از آنکه متوجه مصاحبه‌شونده باشد، مقصر مصاحبه‌گر است که باید با تسلط مصاحبه‌کند. چون شخص مصاحبه‌شونده مورخ نیست که به دقت‌های تاریخی داشته باشد. به هر حال مقصودم این است که ما به عنوان یک کاربر با بیشتر این آثار آشنا هستیم.

بد نیست اشاره بکنم که دوست دانشمند و پرسابقه‌ام در این امور آقای استاد سیدهادی خسروشاهی است که شمار زیادی از اغلاط فاحشی که در این قبیل منابع است و مربوط به دورانی است که خود او در آنها دستی داشته گردآورده و نشان داده که برخی از این تواریخ شفاهی تا چه اندازه ضعیف است. البته این را هم بیفزایم که بسیاری از این افراد گلایه از ناشران آنها دارند که ریش و قیچی دست آنهاست. هرچور بخواهند، تدوین می‌کنند و یا مصلحت‌اندیشی و بخش‌هایی را حذف می‌کنند. گلایه‌های فراوانی از این دست وجود دارد. دیدیم که یکی از اینها پس از نشر خاطراتش، به قدری خشمگین شد که دوباره از نو نوشت و منتشر کرد یا دیگری اول خاطراتش در دویست صفحه چاپ شد و بعد که گلایه کرد، دیگری خاطرات او را تدوین کرده چند برابر عرضه کرد و چند بار هم چاپ شد. این داستان تدوینگر هم چیز شگفتی است. بازنویسی خاطرات هم گاهی داستانی شده و آن را از صورت اصلی‌اش جدا می‌کند. به هر حال اینها مشکلاتی است که ما به عنوان یک کاربر با آن مواجه هستیم.

«رایحه» ویژه نامه بزرگداشت آیت‌الله حسینی زنجانی منتشر شد

صورت گرفته است، گفت‌وگو با آیت‌الله علی علمی اردبیلی از مدرسین حوزه علمیه مشهد، حجت‌الاسلام و المسلمین محمد عبداللهیان مدیر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع) و حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌نهادی از شاگردان معظم‌له از این جمله است.

همچنین در این بخش گفت‌وگوهایی با هادی رستگارمقدم گوهری، محمدرضاریاحی از شاگردان معظم‌له، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمد انتظام، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید، فراهم آمده است.

در بخش مشی آیت‌الله زنجانی در فلسفه و فقه هم گفت‌وگوهایی با حجت‌الاسلام والمسلمین شعبانعلی فلاح، رئیس دفتر معظم‌له در مشهد مقدس، علی شاکری از شاگردان خارج فقه و اصول، رضا رجب‌زاده، حجت‌الاسلام سیدمجتبی معاون‌زاده غزنوی مدرس سطوح عالی حوزه علمیه مشهد و میزگردی با حضور حسن جمشیدی و حجت‌الاسلام محمدجواد فضائلی از شاگردان درس فلسفه معظم‌له آمده است. بخش پایانی این نشریه هم خلاصه‌ای از گفت‌وگوها به زبان عربی است.

گفتنی است «رایحه» دو هفته نامه تخصصی خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) است.

تاریخ شفاهی یکی از بهترین انواع تجربه‌اندوزی است. شما توجه داشته باشید که آنچه بشر را از دوباره کاری و رفتن راههای خطای پیشین باز می‌دارد، توجه به تجارب است، تجاربی که از طریق «مکتوب» به دست آمده باشد. تواریخ، معمولاً روی تجربه‌اندوزی تکیه دارند؛ اما تاریخ شفاهی بیشترین تجربه را در اختیار ما می‌گذارد؛ چرا که دایره آن وسیع تر است. عرض کردیم که تاریخ در گذشته مفهوم محدودی داشت، اما اکنون دایره آن گسترده شده است. طبعاً تجارب بشری هم در حوزه‌های مختلفی که می‌تواند متعلق تاریخ شفاهی باشد، بهتر ثبت و ضبط خواهد شد. این که ما تجربه‌های یک معلم یا نقاش را داشته باشیم، برای هر کسی که در این حوزه‌های فعالیت دارد، بسیار ارزشمند خواهد بود. ما قبلاً این قبیل اطلاعات را فقط به صورت شفاهی دهان‌به‌دهان از طریق پدران و دوستان آن هم جسته و گریخته می‌شنیدیم؛ اما اکنون اگر دانش تاریخ شفاهی را گسترش دهیم و به حوزه‌های مختلف بکشانیم، می‌توانیم تجربه‌هایمان را بیشتر کرده، عقل جمعی و اجتماعی و کاری مان را تقویت کنیم. در واقع ما با گسترش تاریخ شفاهی، بر فایده کلی تاریخ افزوده‌ایم و آن را در سطح و عمق گسترش کمی و کیفی داده‌ایم.

آیا خود شما تجربه‌ای در کار تاریخ شفاهی دارید؟
اگر مقصود شما تجربه اجرای مصاحبه و گرفتن اطلاعات تاریخی در خصوص یک موضوع است، می‌توانم عرض نکنم نه زیاد، اما به طور پراکنده در بسیاری از موارد از این روش برای گرفتن اطلاعات استفاده کرده‌ام؛ برای مثال در جای جای کتاب جریانها و سازمانهای سیاسی مذهبی که مربوط به سال‌های میان ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ است، از کسانی که درگیر مسائل و رویدادهای مهم این دوره بوده‌اند، استفاده کرده و اطلاعات شفاهی از ایشان دریافت کرده‌ام. همچنین در تنظیم خاطرات آیت‌الله سید جعفر کریمی نیز که مصاحبه‌های آن در جای دیگری تنظیم شده بود، با مراجعه به ایشان و گرفتن اطلاعات توضیحی دیگر، تلاش کردم و کتابی در این زمینه منتشر کردم؛ اما باید عرض کنم بنده بیشتر مصرف‌کننده تواریخ شفاهی هستم. یعنی فراوان از این قبیل منابع در نگارش آثاری که مربوط به حوزه معاصر است، بهره برده‌ام. بیشتر آثاری که به صورت

جذابیت‌های خاص خود را دارد؛ اولاً در تاریخ شفاهی بخش‌هایی از تاریخ مد نظر است که در تواریخ رسمی وجود ندارد. در واقع مثل فیلم‌های سینمایی یا تلویزیونی که یک صحنه داریم یک پشت صحنه، در تاریخ هم یک صحنه داریم، یک پشت صحنه. صحنه آن همین چیزهایی است که به عنوان تاریخ نوشته می‌شود؛ اما پشت صحنه آن چیزهایی است که غالباً در تاریخ شفاهی گفته می‌شود. نکته دیگر این است که تاریخ شفاهی مایه‌های تحلیلی بیشتری دارد. و این امر سبب می‌شود که جذابیت بیشتری پیدا کند. هرچند همان‌طور که گفتم تاریخ تحلیلی، به نوعی تفسیر تاریخی است نه تاریخ. به همین دلیل برای نقد و بررسی تا حدودی باید از آن فاصله گرفت. اما آنچه در جذابیت اهمیت دارد، این است که مردم به تاریخ تحلیلی بیشتر علاقه‌مند هستند. به این دلیل که ذهن آنها را منسجم می‌کند. این که درست یا غلط، کاری نداریم، اما به هر حال، آنها یک رشته متصل به هم را می‌خوانند و می‌شنوند. طبیعی است که برای درک تاریخ، دیگر به ذهنشان فشار لازم نخواهد آمد؛ زیرا بخشی از این فشار را همان «تحلیل» تحمل کرده است.

عملکرد مؤسسه‌های تاریخ نگاری در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تاریخ شفاهی در کشور ما عمدتاً به تاریخ سیاسی و تاریخ جنگ پرداخته؛ اما در حوزه فرهنگ، تاریخ شفاهی ما بسیار بسیار فقیر است. ما هنوز با معلمان آموزش و پرورش قدیمی در باره تاریخ تعلیم و تربیت مصاحبه نکرده‌ایم. هنوز با صنعتگران کهن در باره تاریخ صنعتی شدن کشورمان سخن نگفته‌ایم. و به همین ترتیب با بسیاری از اقشار دیگر. حدسی عرض می‌کنم: آنچه هفتاد درصد تاریخ شفاهی ما مربوط به جنگ، ۲۵ درصد تاریخ شفاهی ما مربوط به انقلاب و ۵ درصد آن در حوزه‌های دیگر است. اینها آمارهای تقریبی و ذهنی من است که ممکن است اشتباه کنم. در بخش فیلم، تئاتر و بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، تاریخ شفاهی ما بسیار فقیر است. البته خاطره‌نویسی تا حدی تاریخ شفاهی را جبران کرده؛ ولی به هر حال ما باید آنها را از یکدیگر جدا کنیم. آنچه بر فضای تاریخ‌نویسی فعلی ما حاکم است، همچنان تاریخ به سبک قدیم است نه تاریخ شفاهی. تاریخ شفاهی بیشتر در بخش‌هایی است که نمی‌توان از آنها به عنوان مؤسسات تاریخی یاد کرد. بیشتر مؤسسات تبلیغی و فرهنگی است و روش‌های تاریخ‌نگاری در آنها مورد توجه نیست. به علاوه تاریخ شفاهی در دانشگاه‌های ما و در رشته‌های تاریخ، هنوز هیچ جایی ندارد و برای آنها ظرفیتی باز نشده است. نه درسی نه موضوعی برای تحقیق و نه هیچ پژوهشی مبتنی بر تاریخ شفاهی در پایان‌نامه‌های ارشد یا دکتری، وجود ندارد. در حوزه تاریخ انقلاب مراکزی فعال هستند که رنگ سیاسی جدی دارند و به رغم آنکه تحت فشار برخی از آموزه‌های علمی تلاش می‌کنند خود را آزاد نشان دهند؛ اما به دلایل مختلف، در این کار توفیق چندانی ندارد. شگفت آنکه در تاریخ سیاسی انقلاب، به دلیل اختلافات سیاسی که هر از چندی میان جناحها پدید می‌آید، گویی روی تمامی تاریخ شفاهی ما تأثیر می‌گذارد! طبعاً ما تاریخ را از بقیه تحولات سیاسی کشورمان نمی‌توانیم جدا کنیم و همین امر سبب شده است که مواد و نگاره‌های حاکم بر آن هم مثل تحولات سیاسی، دچار تحول و تغییر شود. این امر سبب بی‌اعتمادی خواهد شد و در عین حال که مردم مشتاق هستند مواد ارائه شده در تاریخ‌های شفاهی این مراکز را بخوانند، اما آنچنان که باید و شاید به آنها اعتماد نخواهند داشت.

اگر برای تاریخ فایده‌ای قائل شویم برای تاریخ شفاهی چه فایده مشخصی می‌توان بیان کرد؟
اگر فایده تاریخ را گردآوری تجارب بدانیم،

دانسته و دیگران را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند! طبعاً در حوزه تاریخ اجتماعی و فرهنگ این گرفتاری کمتر وجود دارد؛ اما محدودیت‌های دیگر تاریخ شفاهی هم فراوان است. گذر زمان یکی از بدترین آفتها و آسیبهای تاریخ شفاهی است. حافظه از دست می‌رود و انسان به اشتباه مطالبی را نقل می‌کند. این همه تناقض گویی که در خاطرات نقل شده در تواریخ شفاهی مربوط به انقلاب در سالهای اخیر پیش آمده، بخشی نتیجه همین مشکل حافظه است. اصلاً آدمی برخی از مسائل را به کلی فراموش کرده و منکر می‌شود، در حالی که دوست او دقیقاً آن عبارات را به خاطر سپرده و بیان می‌کند. مهمتر از مشکل حافظه، این مشکل است که تصاویر گذشته مرتب در ذهن اصلاح شده و تغییر می‌کند. در این صورت اعتماد درستی بر آنها نمی‌توان کرد. هرچه این گذر زمان بیشتر باشد، عیبهای کار بیشتر است. یکی از عیبها اصلاح ذهنیت بر اساس مسائلی است که به طور روزانه اتفاق می‌افتد. فضای فکری جامعه روی ذهنیت آدم‌ها تأثیر دارد و امکان ندارد که در شرح و بیان یک رخداد از گذشته دور، بی‌تأثیر باشد. طبیعی است که تاریخ شفاهی یک موضوع هرچه به زمان آن نزدیکتر باشد، قابل اعتمادتر است. دشمنی‌های بعدی میان افراد درگیر در یک ماجرا، کاملاً روی بیان آن تأثیر می‌گذارد. حق افراد را ضایع می‌کند، چهره‌ها را از تاریخ حذف می‌کند و هزار بلیه و مصیبت دیگر. یکی از مهمترین محدودیت‌ها این است که برخی از تواریخ شفاهی، مشکل برخورد با افراد دیگر را دارد. این امر سبب می‌شود که مصاحبه‌شونده از گفتن برخی از مسائل خودداری کند. در تواریخ قدیم این مشکل کمتر وجود دارد، به‌خصوص وقتی که به بیان گذشته دور می‌پردازیم؛ اما در تاریخ شفاهی شما با دوره‌ای سروکار دارید که طرف‌های ماجرا ممکن است زنده باشند. یا موضوع ممکن است از حساسیت خاصی برخوردار باشد. در این صورت، مصاحبه‌شونده و حتی مصاحبه‌کننده، درگیر رویدادی شوند که برای آنان مشکل ایجاد کرده یا اجازه ندهد که تبیین درستی از واقعیت داشته باشند.

چه راه حلی برای راهی از این محدودیتها وجود دارد؟

حقیقت آن است که منابع شفاهی هم مانند بسیاری از منابع دیگر، باید حک و اصلاح شود. باید روشهایی برای تنقیح آنها یافت. ما در نقد اخبار تاریخی، مقایسه میان اخبار یک موضوع را راه حل مناسبی برای ارزیابی می‌دانیم. در تاریخ شفاهی نیز باید چنین کرد. باید برای ارزیابی یک واقعه، با چندین نفر که درگیر هستند، مصاحبه کرد و از مقایسه میان آنها، تا اندازه‌ای به واقعیت دست یافت. به علاوه، مصاحبه‌گر و تخصص وی در موضوع و آشنایی او با روش نقد می‌تواند کمک شایسته‌ای به نقد و ارزیابی آنچه در تاریخ شفاهی نقل شده است، بکند. ایجاد تلفیق میان آنچه در مصاحبه‌ها به عنوان تاریخ شفاهی گفته شده، با اسنادی که از آن ماجرا بر جای مانده، بسیار اهمیت دارد. همیشه باید اسناد را در کنار تاریخ شفاهی گذاشت. همیشه باید آنچه را در تواریخ آمده، کنار تاریخ شفاهی گذاشت تا از مقایسه آنها بهتر به نتیجه رسید. نکته دیگر اینکه همیشه باید اصل بیان وقایع را از تفسیرها جدا کرد. در تاریخ شفاهی این آمیختگی فراوان است و باید راهی برای آن اندیشید؛ یعنی کسی که در صدد بیان وقایع است، مرتب کار تحلیلی می‌کند و چون خودش درگیر است، تلاش دارد تا چهارچوبهای تحلیلی خود را در درون نقل وقایع بیاورد. تفکیک اینها کمک خواهد کرد تا با واقعیت بهتر آشنا شویم.

علت استقبال از کتابهای تاریخ شفاهی در چیست؟

تاریخ شفاهی پدیده تازه‌ای است که

ترو خشک را با هم نسوزانیم؛ مداحی اهل بیت (ع) فضیلت است

کاری بسیاری از آنان؛ کم‌این که شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی هم در این باره هشدار داده، ولی بعد از ۴۰ سال، هنوز این هشدار جدی گرفته نشده است!

جالب این که برخی از مداحان، پا از حریم مداحی فراتر گذارده، در مقام مرجع تقلید، احکام شرعی می گویند و در کسوت استادان علم کلام، درباره مبانی اعتقادی فضل‌نمایی می‌کنند، استاد اخلاق هم که شده اند و چند سالی هست که برای مسوولان مملکت هم تعیین تکلیف می‌کنند و تهدید می‌نمایند که اگر آنچه گفتند انجام نشود، برخورد خواهند نمود!

علت این وضعیت هم این است که مکانیزم برای نظارت بر این سیستم وجود ندارد. این مکانیزم البته هرگز و هرگز به معنای حکومتی کردن مداحی و روضه خوانی نیست چه آن که اصالت این امور در مردمی و مذهبی بودنشان است و بزرگ ترین آفت شان نیز حکومتی شدنشان (همان طور که در سال های اخیر پیوندی بین این مقوله و دولت برقرار شد و تالی فاسد داشت.)، لذا باید به دنبال راهکاری برخاسته از هیات ها، تشکل های مذهبی، حوزه علمیه و علما بود که این روند را معقول و منطقی کند و الا سرانجام بی سروسامانی حاضر، کمرنگ شدن ذکراهل بیت علیهم السلام و سست شدن باورهای دینی مردم خواهد بود و این، همان چیزی است که آقایان علما بدان می گویند **نقض غرض** .

های پیش گفته را قائل شد و آنان را فی سبیل اللهی دانست، هر چند که مشهور باشند و کلی هم مرید و پامنبری داشته باشند.

برای این افراد، مداحی فقط یک **شغل** است و منبعی برای درآمد؛ اشکالی هم ندارد اما این قبیل افراد حق ندارند مقدس نمایی کنند و برای خود مقام و منزلت معنوی پتراشند زیرا کسی که تا کارت به کارت نکنی، حتی یک بیت هم در فضائل اهل بیت علیهم السلام نمی‌خواند، بهتر است در همان کاسبی اش متوقف بماند و از دیوار معنویت بالا نرود و برای خود معرکه مرید و مراد بازی راه نیندازد!

ضمن این که قاعدتاً این افراد مانند همه کسبه دیگر، باید به طور نظام مند فعالیت کنند و مالیات درآمد خود را هم بدهند.

۴- و نهایتاً آنچه تا کنون مغفول مانده، سازوکار نظارتی بر فعالیت مداحان است. در این کشور، علاوه بر نظارت عامه بر عموم مردم در مکانیزم هایی مانند دستگاه قضایی، بر اکتراقتشار و صنوف نظارت های تخصصی نیز وجود دارد، از دادگاه ویژه روحانیت گرفته تا کمیته انضباطی فوتبالیست ها و مراجع تخلفات اداری کارمندان و شورای حل اختلاف اصناف و ... ولی کسی نیست بر کار مداحان نظارت کند و لذا ترویج خرافات، مبالغه گویی، تحریف تاریخ و ... شده است بخشی از فعالیت

کرده بود که تا پایان عمر، دعا‌های کمیل هیات را بخواند و مداحی کند، بی آن پولی بگیرد.

یا مداح دیگری را می‌شناسم که هر بار که در هیاتی می‌خواند، در پایان، وقتی می‌خواهند به او پول بدهند، خانواده ای فقیر، دختری دم بخت یا بیماری محتاج را معرفی می‌کند که پول را به آنها برسانند.

بسیاری از مداحان، بازاری، کارمند، استاد دانشگاه، قاضی، مهندس و حتی پزشک هستند که از آن طریق امرار معاش می‌کنند و مداحی را فقط به عشق اهل بیت علیهم السلام و برای تقرب به درگاه الهی انجام می‌دهند و لاغیر.

تعداد این ها نیز کم نیست و منصفانه نخواهد بود آنها را با مداحان پولی در یک فهرست قرار دهیم.

دوم: برخی مداحان، برای مداحی، پول دریافت می‌کنند ولی هرگز رقمی برای آن تعیین نمی‌نمایند و هر چقدر بانی مجلس یا مردم بدهند، می‌پذیرد و حرجی بر آنان نیست.

سوم: اما برای گروهی دیگر از مداحان، مداحی رسماً یک شغل و کاسبی است و قبل از جلسه مداحی، با دعوت کنند به سر رقم مالی مذاکره می‌کنند و چانه می‌زنند و بعضاً بدون پیش پرداخت و حتی گرفتن کل پول قبل از مداحی، حاضر به حضور در مجلس نمی‌شوند. طبیعتاً برای این افراد نمی‌توان احترام معنوی گروه

اثبات امور غریبه با خبر واحد امکان پذیر نیست و نمی‌توان امور **غریبه** و غیر عادی را با خبر واحد ثابت کنیم.

۱- در روزگاری که میراث معنوی امام خمینی (ره) یعنی نظام جمهوری اسلامی و ستون اصلی نظری آن یعنی نظریه ولایت فقیه مورد نقدها و تهاجم های کلامی، شبه کلامی، فلسفی، سیاسی و ژورنالیستی قرار گرفته و کلیت نظریه مردمسالاری دینی که حضرت روح الله و شاگردان سفر کرده اش مانند مطهری و بهشتی و ... آن را شرح و بسط داده اند با شبهه افکنی ها هم از سوی طیف سکولار و هم جناح سنت گرای حجتیه مسلک روبرو شده است، دفاع نظری و علمی از آن میراث مهم از وظایف مهم و راهبردی معتقدان به این مسیر است.

۲- پس از یک قرن بی ثباتی سیاسی در ایران که ناشی از بحران نظریه حکومتی در ایران بود امام خمینی(ره) با نظریه خود ثبات را به عرصه سیاسی بازگرداند. چرا که نظریه جمهوری اسلامی او هم دارای مبانی مشروعیت مردمی و الهی بود و هم از کارایی در جهان مدرن برخوردار بود. بی ثباتی سیاسی ناشی از بحران نظریه حکومت در ایران با پایان حکومت محمد شاه قاجار آغاز شد. ناصرالدین شاه به تیر میرزا رضای کرمانی ضد استبداد کشته شد، مظفرالدین شاه را مشروطه خواهان دفن کردند، محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناهنده شد، احمد شاه عزل گردید و در فرنگ دربه در شد، رضا شاه مستبد در نهایت به دست متفقین بی حمایت مردم حذف شد و محمد رضا پهلوی با انقلاب اسلامی آخرین شاه ایران بود. به نظر می‌رسد حضرت امام خمینی با تغییر الگوی نظری حکومت در ایران و ارائه شاخصهای جدید از مشروعیت ثبات را به عرصه سیاسی اران بازگرداند و پس از یک قرن اولین فرد حاکم در ایران بود که پس از پایان عمر طبیعی با عزت و احترام و تکریم مردمان این سرزمین به خاک سپرده شد.

۳- ویژگی هایی هم چون شجاعت، حکمت، علم، سابقه انقلابی، مجاهدت و مدیریت بود که خبرنگاران ملت را برآن داشت که حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) را طبق قانون اساسی به عنوان رهبری نظام تعیین کنند. تجربه این سالیان نشان داد که بصیرت و حکمت رهبری مهر تاییدی بر شایستگی ایشان برای سکانداری این سفینه نجات

عصرایران- این روزها، جو سنگینی علیه مداحان در جامعه شکل گرفته است؛ علتش هم اظهارات تعداد انگشت شماری مداح است که در آن، شرط ادب و آداب سخن را رعایت نکرده و مجلس روضه اهل بیت علیهم السلام را تبدیل به میتینگ جناحی با ادبیات غیراخلاقی نموده‌اند.

هم از این روست که موجی علیه آنان شکل گرفته است و جالب اینجاست که در این میان، سهم عمده حملات از سوی جریانی است که تا دیروز با طیف مداحان سیاسی همداستان بود و بخشی از مشروعیت و آرای خود را مدیون همان ها!

در این باب، البته سخن بسیار گفته شده است و لذا بنا نداریم به تکرار مکررات بپردازیم و این افراد را به سیره اخلاقی ائمه اطهار علیهم السلام دعوت کنیم چه آن که خود آنان، بهتر از ما بر این مباحث واقف‌اند، ولو آن که عالم بی عمل باشند.

نوشتر حاضر بر آن است که به سهم خود نگذارد تر و خشک با هم بسوزند و چوب خطاهای گروه معدودی مداح که متأسفانه فحاشی هم می‌کنند به پای همه خادمان و مداحان اهل بیت علیهم السلام نوشته شود چه آن که مداحی اهل بیت علیهم السلام، فضیلتی است بزرگ و مداح واقعی نیز مفتخر به این فضیلت. در این باره نکات زیر مختصراً قابل ذکر است:

۱- هر چند برخی مداحان، دچار مشکلاتی از قبیل زد و بندهای سیاسی و اقتصادی و مشکلات اخلاقی‌اند اما واقعیت این است که در جای جای این کشور، از روستاهای دور افتاده تا شهرهای بزرگ، مداحان پرشماری وجود دارند که نه روضه ائمه اطهار علیهم السلام را نردبان ترقی سیاسی کرده‌اند، نه از مدح آل رسول صلی الله علیه و آله برای خود کاسبی راه انداخته‌اند، نه لب به ناسزای گشایند و نه در منبر مداحی، این و آن را تکفیر می‌کنند و بهشت و جهنم تقسیم می‌نمایند. این نهایت بی انصافی است که چون فلان مداح معروف که رسانه‌ها به او می‌پردازند، ره به خطا برده، گناه او را به پای همه بنویسیم و سایر مداحان را نیز به هیزم گناه او بسوزانیم.

۲- وجود برخی مشکلات حتی اخلاقی در میان برخی مداحان، هر چند تأسف‌انگیز است ولی نباید شگفت‌آور باشد؛ چه آن که مداح نیز مانند من و شما، انسانی است جایز الخطا و لذا به صرف این که خطایی از یک مداح سر بزنند و حتی فیلمی از او منتشر شود، اخلاق حکم نمی‌کند هم او را از دایره انسانیت خارج بدانیم و هم درباره سایر همکسوتان او دچار پیشداوری شویم.

این یک واقعیت است که در همه صنوف و اقشار، از روحانی و مداح گرفته تا استاد دانشگاه و کارمند و بازیگر و روزنامه‌نگار و ... ممکن است افرادی گاه دچار خطاهم بشوند، ما، متأسفانه گاهی چنان از اشتباهات دیگران ذوق زده می‌شویم و مثلاً فیلم لو رفته خصوصی او را با اشتیاق برای همدیگر «بلوتوث» و ایمیل می‌کنیم که گویا خود در مقام عصمت قرار داریم و هیچ خطایی از ما سر نزده و یا نخواهد زد و جالب این که ندای یا ستار العیوب هم سر می‌دهیم!

۳- درباره پول گرفتن مداحان نیز چند نکته به ذهن متبادر می‌شود:

اول: مداحان زیادی در این کشور وجود دارند که از بابت مداحی و روضه خوانی، ریالی دریافت نمی‌کنند. خاطرم هست که در هیاتی، وقتی در پایان عزاداری های محرم، هیات امنای مسجد، پاکتی را به مداح هیات مان دادند، آن را نپذیرفت و سال بعد که هیات امنای می‌دانست او اهل پول گرفتن نیست، برای تقدیر از زحماتش، پارچه کت و شلواری برایش کادو خریدند که آن را گرفت و همانجا تقدیم خادم مسجد کرد.

یا مداح دیگری را سراغ دارم که در جبهه پایش زخمی شده بود و پزشکان تصمیم داشتند پایش را قطع کنند و او شب قبل از عمل، دعای کمیل خوانده و به اهل بیت علیهم السلام متوسل شده بود و نهایتاً پایش را قطع نکردند و او از همان روی تخت بیمارستان، عهد

دفاع بد از رهبری، چرا؟

است. موفقیت سالهای بازسازی پس از جنگ، مدیریت تهدیدات ناشی حضور غرب در همسایگی ما چه عراق و چه افغانستان، کنترل و مدیریت بحران اتمی کشور، حل و رفع مشکلات ناشی از رقابتهای سیاسی بین جریان ها و گروههای سیاسی در دو دهه گذشته و گوشه ای از ویژگیهای مهم رهبری است که نشانه جامعیت مدیریت سیاسی ایشان است.

یکی از آفات شکل گرفته در این روزها دفاع غلط و بد از حوزه رهبری است. می‌گویند دفاع بد از یک حقیقت، خطرناک تر از حمله کردن خوب به آن است

۴- یکی از آفات شکل گرفته در این روزها دفاع غلط و بد از حوزه رهبری است. می‌گویند دفاع بد از یک حقیقت، خطرناک‌تر از حمله کردن خوب به آن است. به علت اینکه انقلاب اسلامی و آرمانهای آن متعلق به همه مردم می‌باشد، همه مردم به خود حق دفاع از موجودیت انقلاب را می‌دهند. برخی از این دفاعیات و ابراز علایق شکلی عامیانه و سطحی می‌گیرد. البته دفاع عامیانه متأسفانه از سطح عوام خارج شده و برخی خواص را هم تحت تأثیر قرار داده است. در تاریخ معاصر دشوارترین نقدها و تهاجمات از سوی اندیشه ملی گرای باستان محور پهلوی و مارکسیسم به تشیع وارد شد. اما در مقابل به جای اسطوره‌سازی و برخورد‌های احساسی، استاد مطهری بهترین شیوه دفاعی را بر پایه قرآن و سنت و استدلال منطقی انتخاب کرد. به نظر می‌رسد در روزگار کنونی اگر خواص و یا عوام می‌خواهند بر رسالت دفاع از ارزشهای انقلاب تکیه کنند به جای توجه به داستانها به تبیین واقعتهای سیاسی امروز بپردازند. شجاعت، مدیریت و علم رهبری انقلاب بسیار مثال زدنی تر از مواردی مانند برخی نقل قول هاست.

۵- بر پایه نظر علما و محققین اسلامی اثبات امور غریبه با خبر واحد امکان پذیر نیست و نمی‌توان امور **غریبه** و غیر عادی را با خبر واحد ثابت کنیم. این بدان معناست که بیان هر کرامت و یا واقعه ما فوق الطبیعه نیاز به نقلهای متفاوت از منابع گوناگون تقه دارد. هم چنین نقل قول بر پایه نظر علما از فرد مجهول الحال پذیرفته نیست. همه اینپادان معناست که می‌بایست در بیان و اندیشه دقت و امعان نظر بیشتری وجود داشته باشد. مقام معظم رهبری با نگاه حکیمانه خود در گذشته برنامه های بزرگداشت تولد خود را رد کردند و معظم له

در حاشیه برگه‌ای که حاوی آن خبر بود نوشته‌اند: **این کار غلط است**، این تولد و امثال آن هیچ جشنی ندارد، برگزار کنندگان مسئول وقت و عمر و اموالی هستند که در این کار صرف و ضایع می‌شود. من از کسی که برای تولد من جشن می‌گیرد به هیچ وجه متشکر نمی‌شوم و او را مسئول زیان‌های این کار هم می‌شناسم .

۶- در روز سخت امروز که شرایط داخلی حساس و اوضاع امنیتی منطقه پیچیده شده است، دقت در کردار و گفتار به ویژه از سوی خواص دارای اهمیت فراوان است. جریانهای نزدیک به ضد انقلاب و هم چنین رسانه های تحت سلطه آل سعود و وهابیون منتظرند در روزگار اوج گرفتن بیداری اسلامی در منطقه و احیای گفتمان اسلام ناب محمدی با پر رنگ کردن برخی نقل قولها به تشویش اذهان درباب مکتب حقه جعفری و گفتمان اسلام ناب محمدی و جمهوری اسلامی برآیند. تقطیع و تحریف از ابزارهای رسانه‌ها در جنگ نرم است. بهتر این است که در عصر جهانی شدن که هر دوربین موبایل می‌تواند تصویری را بین المللی کنند سخنی بر زبان نیاید که با تقطیع و برش به مستمسکی برای حمله کلیت نظام تبدیل شود.

بر پایه نظر علما و محققین اسلامی اثبات امور غریبه با خبر واحد امکان پذیر نیست و نمی‌توان امور **غریبه** و غیر عادی را با خبر واحد ثابت کنیم

۷- به نظر می‌رسد در این ایام به جای دفاعیاتی حمله گونه و ایجاد علاقه از طریق برخی داستان سازی ها و اسطوره پردازیها، فلسفه ولایت فقیه و نقش کارگشای آن با زبان علمی تبیین گردد، تا عموم مردم بدانند بهره گیری ولی امر از قدرت ولایت نه از جهت خود کامگی بلکه در راه گره گشایی از کار ملت و بر پایه قرآن و تأمین سعادت دنیوی و اخروی مردم است و همانند چنین جایگاهی در نظام های توسعه یافته جهان امروز نیز، برای حل بحران ها، پیش بینی شده است. تعریف واحد و جامعی از این مفهوم، پشتوانه خوبی برای تحکیم ارتباط مردم با امامت مسلمین می‌باشد. این تقریر حکومتی از ولایت، با مباحث نظری و آزاد اندیشانه علما در حوزه فقه و فقهات منافاتی ندارد.

یوسف قاضی زاده

بخش سیاست تبیان

رژیم بحرین پاکسازی قومی می کند

گفت وگو با سعید الشهابی، رییس جنبش آزادی خواهی بحرین



با توجه با چاپ مقاله ای که تیتیر آن با عنوان "وحشت رازآلود بحرین" بر روی نشریه ایندپندنت، رئیس جنبش آزادی بخش بحرین امیدوار است که جهانیان از حقایق آگاهی یابند.

در همین رابطه، سعید الشهابی، رییس جنبش آزادی بخش فلسطین در گفت وگو با شبکه پرس تی وی به تشریح روند خشونت و سرکوب سبعانه در بحرین پرداخته است که می خوانید:

پرس تی وی: اگر به رخدادهای بحرین نگاه کنیم به نکته ای عجیب برمی خوریم و آن این که حدود ۳۰ تن از کادر پزشکی مفقود شده اند. سؤال این است که چرا باید سیستم پزشکی و درمانی یک کشور دستخوش اعتراضات دموکراسی خواهانه شود؟

الشهابی: این جنگی تمام عیار علیه مردم بحرین است. دیگر هیچ چیزی حرمت ندارد؛ هیچ چیز از حملات رژیم در امان نمانده است. وقتی آن ها به کتاب مقدس قرآن کریم حمله می کنند، تخریب می کنند و آتش می زنند، دیگر چه چیز مقدسی باقی می ماند؟ دیگر چه چیزی می ماند که مورد تهاجم قرار نگرفته باشد؟ به نظر من این اوج یاس و درماندگی رژیم (بحرین) را نشان می دهد و نیز نشانه ادامه خشونت هاست زیرا، رژیم با حمایت غرب و آمریکا چنین گستاخی می کند. به علاوه آمریکا حتی کلمه ای علیه رژیم

بحرین که علیه مردم خودش خشونت روا می دارد، نگفته است. برخی از پزشکان اکنون پشت میله های زندان هستند. معلم ها محبوس شده اند. شهروندانی که شاید بیست سال هم نداشته باشند شکنجه می شوند. آن ها روحانیون، بزرگان، زنان، آموزگاران و حتی هنرمندان را دستگیر می کنند. وقتی چنین وضعیتی حاکم است، دیگر تیم پزشکی جای خود دارد.

حتی در جنگ هم گروه های پزشکی مصونیت دارند و از سوی هر دو طرف حمایت می شوند اما در بحرین این گونه نیست. تازه به آن ها تعرض هم می شود. آن ها تحت تدابیر شدید نظامی و پشت میله های زندان بسر می برند.

پرس تی وی: اجازه بدهید نقل قولی از شاهزاده سلمان بحرینی بیاورم. او گفته است که ما کاری را کردیم که باید می کردیم زیرا آرامش و ثبات باید به کشور بازگردد. البته او گفته است که این امر مطابق ارزش های اسلامی و عربی انجام شده است. چگونه است که مساجد را خراب می کنند؟ آیا اکنون وضعیت بحرین بهتر شده است؟

الشهابی: اگر او به گفته خود باور داشته باشد که ابلهی بیش نیست. اگر او به گفته خود باور داشته باشد، این مسئله گفته های ما را ثابت می کند. این رژیم لیاقت ماندن و حکمروایی را ندارد. چگونه

اقدام بی سابقه حکام عرب در تحریکات فرقه ای

رییس جمعیت موسوم به "قولنا والعمل" در لبنان گفت: حکام عرب به شکلی بی سابقه در شعله ور کردن آتش اختلافات فرقه ای در کشورهای عربی و اسلامی دست دارند.

شیخ أحمد القطان" اظهار داشت: حکام عرب از این عامل بعنوان برگ برنده ای برای باقی ماندن در قدرت استفاده می کنند، بدون اینکه توجه داشته باشند که چنین اقداماتی بر اوضاع کلی کشورهای عربی و اسلامی تاثیر منفی می گذارد و بدین شکل راه برای دخالت خارجی ها در امور این کشورها باز می شود.

رییس جمعیت موسوم به "قولنا والعمل" در لبنان، تحرکات این کشورهای عربی برای مذهبی و فرقه ای جلوه دادن رویدادهای بحرین را محکوم کرد.

شیخ القطان گفت: تلاش برخی کشورهای عربی

کمپ دیوید، جنایت رژیم مبارک در حق مصریها



هر توافقنامه ای که برای خزانه دولت هزینه هایی را دربرداشته باشد، باید در مجلس تصویب شود.

وی افزود همه مردم مصر با توافقنامه گاز با رژیم اسرائیل مخالفند زیرا این توافقنامه به شدت ظالمانه است، و خسارت های زیادی را برای مردم در برداشته است.

وی بهانه های بقایای رژیم سرنگون شده مبارک را مبنی بر اینکه توافقنامه گاز در پیمان کمپ دیوید قید شده است، دروغ دانست و گفت: این توافقنامه نفت را از دیگر کالاهایی که مصر ملزم به صادرات آن به اسرائیل شده است، مستثنی کرده است، و در این توافقنامه اصلا هیچ بندی درباره صادرات گاز به اسرائیل وجود ندارد.

عبود بر لزوم بازنگری در توافقنامه ظالمانه کمپ دیوید که عناصر رژیم سابق مصر از طریق آن

می توان کشتن مردم را توجیه کرد؟ آرامش کجاست؟ خیزش مردم بحرین صلح آمیزترین قیام در جهان عرب بود. حتی یک گلوله از سوی معترضان شلیک نشد، حتی لاستیکی آتش زده نشد و مردم به شعارهای خود وفادار ماندند. آن ها هیچ اشتباهی را مرتکب نشدند اما دست کم ۳۰ تن از آن ها کشته شده اند که آخرین آن ها روز گذشته در اثر شدت جراحات وارده کشته شد.

نیروهای امنیتی به مساجد حمله می کنند و مکان های عبادی را تخریب. اکنون تقریبا اکثریت مردم یعنی حدود ۷۰ درصد جمعیت بحرین مورد هجمه قرار گرفته است. ما با یک پاک سازی قومی مواجهیم. رژیم قرآن ها را به آتش می کشد. هیچ چیزی از حملات آنان مصون نیست. مردم را می کشند و مدعی هستند که این کار برای صلح و اصلاحات است. چه نوع اصلاحاتی؟

اگر صلح و اصلاحاتی که آن ها می گویند این است، پس این به درک واصل شود. این یک تروریسم دولتی است. روزنامه ایندپندنت هم همین عنوان را بر روی جلد خود گذاشته بود؛ "وحشت رازآلود بحرین". بنابراین، اکنون همه خواهند فهمید که رژیم آل خلیفه چه می کند.

این یک جنگ تمام عیار علیه مردم است. دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل پیروز به آن چه که بر سر بحرینی ها آمده اشاره کرده اند. فکر می کنم این یک بیداری بین الملل درباره بحرین است؛ هرچند کمی دیر. با این حال همین حالا هم دیر نشده و بهتر هرگز است.

رییس جمعیت موسوم به "قولنا والعمل" در لبنان همچنین از مسلمانان کشورهای عربی خواست وارد بازی فرقه گرایی نشده و بین آنچه در بحرین اتفاق می افتد، با آنچه که در لیبی، تونس، یمن و مصر و دیگر کشورهای عربی روی می دهد، تفاوت قایل نشوند.

وی درباره علل سکوت در برابر جنایتگری رژیم بحرین گفت: آیا مفاهیم مطالبه حقوق و پایان دادن به ظلم و ستم بین کشورهای عرب و مسلمان با یکدیگر تفاوت دارد؟

شیخ القطان افزود: اگر این گونه است، این نوع تفکر به طور آشکار با فرمایشات حضرت محمد (ص) در این باره منافات دارد که فرموده اند هر کسی که ندای مسلمانی را بشنود که از مسلمانان کمک می خواهد و به او پاسخ ندهد، مسلمان نیست.

وهابیون کویت، مجری طرح

های آمریکایی - سعودی

یک منبع آگاه کویتی تأکید کرد، حوادث جاری سوریه، در نتیجه اقدامات طرف های آمریکا، عربستان و گروه های وهابی کویتی با هدف سرنگونی نظام بشار اسد است.

به گزارش العالم، پایگاه نهرین نت به نقل از منابع خود اعلام کرد: عناصری از جریان وهابی در کویت در جمع آوری و ارسال اموال بویژه از طریق شهر مرزی درعا مشارکت داشته، و توانسته اند از چهار سال پیش تا کنون گروه هایی از افراد وهابی در داخل این شهر و روستاهای اطراف آن تشکیل دهند.

نهرین نت، به نقل از این منبع افزود: وهابی ها توانستند تشکیلات خود را در این شهر گسترش داده و با دادن وعده حقوق های فریبنده از ۵۰۰ تا هزار دلار در ماه، دامنه فعالیت های خود را به مناطق حمص، حماه، لاذقیه و سایر مناطق بکشانند.

این منبع با اشاره به نقش جمعیت احیای میراث اسلامی" در تأمین بخشی از هزینه نفوذ وهابیون به سوریه، اظهار داشت: این گروه با علمای جریان وهابی عربستان روابط بسیار نزدیکی دارد، و برخی از اعضای آن با سازمان اطلاعات سعودی به طور مستقیم در ارتباطند. علاوه بر این، آنها جهت فعالیت علیه شیعیان کویت، عراق و بقیه کشورهای حاشیه خلیج فارس، آموزش هایی را از سازمان مذکور دریافت کرده اند.

بر اساس این گزارش، "جمعیت احیای میراث اسلامی" در کویت، میلیون ها دلار را برای هدف قرار دادن مساجد، حسینیه ها و خودروها در مناطق شیعه نشین، در اختیار سازمان های تکفیری وهابی در عراق قرار داده است، و این امر در سوریه نیز تکرار شده است؛ بصورتیکه این گروه میلیون ها دلار را در سوریه هزینه می کند تا جوانان را جهت پیوستن به جریان تکفیری وهابی و سازماندهی آنها بعنوان شبه نظامی جهت استفاده از آنها در هنگام هر گونه درگیری با نیروهای امنیتی، جذب کند. این جمعیت همچنین با جمع آوری کمک های مالی، مساجدی را بعنوان پایگاههای خود در کشور هدف می سازد.

نهرین نت تأکید کرد: سفارتخانه عربستان در کویت، به مرکز هماهنگی نمایندگان و علمای وهابی در کویت از جمله هایف المطیری، ولید طباطبایی، خالد سلطان و ضیف الله بورمیه تبدیل شده است؛ و این افراد همچنان به اعزام وهابی ها و سلفی های کویت، انتشار مقالات در رسانه ها، کمک به شبکه های صفا و وصال جهت تحریک مذهبی علیه نظام سوریه ادامه می دهند.

این منبع در ادامه می افزاید: طرح امنیتی با هدف ناامن کردن نظام بشار اسد نه تنها جنبه منطقه ای بلکه جنبه بیت المللی دارد. دستگاههای اطلاعاتی آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان نه تنها با طرح ضربه زدن به نظام بشار اسد بی ارتباط نیستند بلکه آنها از چهار سال پیش و با استفاده از سازمانهای سلفی وهابی که نظام سوریه را کافر می دانند، در این زمینه تلاش و برنامه ریزی می کنند. لازم به ذکر است، طارق عیسی رییس این جمعیت بارها به ارتباط اعضای این جمعیت با عربستان و داشتن اندیشه وهابی و تکفیری افتخار کرده است.

وی در یکی از اظهاراتش چنین می گوید: جمعیت احیای میراث اسلامی به روابط خود با عربستان سعودی و داشتن گرایش به دعوت سلفی وهابی که نظام عربستان سعودی براساس آن استوار شده، افتخار می کند.

متن کامل مصاحبه با استاد سید هادی خسروشاهی:

رابطه با مصر یا: نامی در یک خیابان؟

حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی را باید این گونه توصیف کرد: «تاریخ شفاهی جنبش های اسلامی در نیم قرن اخیر؛ به سراغ این شخصیت فرهنگی جهان اسلام رفتیم تا روابط آینده ایران و مصر را از منظر روابط فرهنگی و اسلامی، از زبان فردی بشنوم که بیشترین ارتباط را با گروه های اسلامی اپوزیسیون در کشورهای اسلامی شمال آفریقا به خصوص مصر و تونس داشته است. خسروشاهی البته دل پردردی از مردان دیپلماسی کشور دارد و از عملکرد آن ها در قبال تحولات منطقه دلخور است.

عملکرد به سازمان اخوان مصر دارد - با استفاده از تجربه های پیشین و در نظر گرفتن علل و عوامل سرکوب پیروزی «جبهه نجات اسلامی» الجزایر توسط ژنرال های فرانکوئیل، این بار نمی خواهند خود در صحنه اصلی ظاهر شوند تا با تثبیت اوضاع و اجرای قانون مورد قبول اکثریت، بتوانند از طرق قانونی به اهداف خود برسند و به اداره امور بپردازند که به نظر من تاکتیک بسیار خوبی است و از اسلام هراسی» غرب هم می کاهد و از اجرای واکنش های منفی و ضد مردمی آنان، جلوگیری می کند.

در تأثیرگذاری مثبت این دو سازمان در عرصه سیاسی مصر و تونس، جای هیچ گونه شک و تردیدی نیست، زیرا که علی رغم فشار و اختناق و سرکوب سرهنگ جمال عبدالناصر و حبیب بورقیه در طول دهه های پیشین، این دو حرکت توانسته اند همچنان سازماندهی نیرومند خود را حفظ کنند و اکنون نیز با توجه به پشتیبانی مردم، می توانند نقش اساسی خود را در اداره کشور و تشکیل حکومتی جدید، به خوبی ایفا کنند، به ویژه که هر دو سازمان از کادرهای برجسته و ارزشمندی در داخل و خارج، بهره مند هستند که می توانند با به کارگیری آن ها، به اهداف اصلی و آرمانی خود دست یابند و در سازندگی کشور به نتایج چشم گیری برسند.

نخبگان مصر و چهره های علمی و دانشگاهی این کشور که به عنوان مرجع علمی جهان اهل سنت هم مطرح است، چه نگاهی نسبت به روابط با ایران به عنوان قطب علمی و سیاسی جهان تشیع دارند؟

مصری ها اعم از توده های مردمی و نخبگان و اندیشمندان و شیوخ الازهر و حتی سیاستمداران، در اکثریت خود هوادار برقراری روابط حسنه با ایران اسلامی و تقریب بین مذاهب سنی و شیعی هستند و ارزش خاصی برای همکاری و تعاون بین دو کشور، در همه زمینه های علمی و مذهبی قائل هستند... و اگر برنامه ریزی دقیقی با حفظ اصل احترام متقابل انجام پذیرد، می توان آینده درخشانی را برای جهان اسلام و مسأله وحدت شیعه و سنی و تقریب بین مذاهب و رفع اختلافاتی که سلفی های وهابی وابسته به آل سعود سعی دارند آنها را در بلاد اسلامی گسترش دهند، پیش بینی کرد.

با توجه به ابراز علاقه طرف مصری برای احیای روابط، جمهوری اسلامی ایران برای ارتباط با دولت آتی مصر چه ملاحظات را باید در نظر بگیرد؟

آقای عمرو و موسی و مرحوم احمد ماهر، دو وزیر امور خارجه مصر، در دوران حسنی مبارک، در دیدارهای مکرری که با آن ها داشتیم، علاقه وافری به برقراری روابط حسنه و وسیع با ایران ابراز می کردند و واقعاً هم برای ارتقای روابط سیاسی در سطح سفارت به جای دفتر حفاظت منافع، می کوشیدند و البته آن دو، علاوه بر دیدارهای خصوصی، در مصاحبه های مطبوعاتی خود نیز آن را ابراز می کردند. ولی متأسفانه همواره تلاش و کوشش آنان و دیگر سیاستمداران و شخصیت های خیرخواه و آگاه مصری، با بن بست به نام سازمان امنیت و عمر سلیمان رویه رو می شد که نتیجه و ثمره همه تلاش ها را خنثی می کرد، و البته باید یادآور شد که شخص حسنی مبارک، به هر دلیل، در بستر اختیار سازمان و سران آن، به ویژه همین «عمر سلیمان» - عامل و یا رابط مستقیم موساد و سیا - قرار داشت و شاید بتوان گفت که بدون اجازه آن ها



غزه و سپس بستن کامل مرز رفح و حتی ایجاد دیوار فولادین سی متری در مرز، برای جلوگیری از تونل سازی جوانان فلسطینی و رسیدن غذا و دارو به مردم محاصره شده در غزه، در قتل عام مردم مظلوم فلسطینی به عنوان شریک جرم و جنایت اسرائیل، نقش اصلی را بازی کرده است...

و در اسنادی که چندی قبل در مطبوعات عربی منتشر گردید، معلوم شد که حسنی مبارک در حمله تجاوزکارانه اسرائیل به لبنان و بمباران شهرها و قتل عام مردم بی گناه آن کشور هم باز نقش تحریک کننده و خائنه ای را به عهده داشته و حتی پس از آنکه اسرائیل از نتیجه ادامه حمله، به علت مقاومت باور نکردنی حزب الله ناامید شده بود، حسنی مبارک پیام فرستاده بود که: «نصف راه را رفته اید! بقیه راهم بروید!» اما مقاومت مردم لبنان، اسرائیل و حسنی مبارک را از ادامه راه بازداشت...

نقش کشورهای غربی و به خصوص همسایه ناشایست مصر یعنی رژیم جعلی اسرائیل را در روند روابط این کشور با ایران چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا دولت جدید مصر باید از میان ما و اسرائیل یکی را انتخاب کند؟

باید پذیرفت که در گذشته، عدم انسجام در امر دیپلماسی خارجی ما و دخالت های عنصری خارج از کادر مسئول سیاست خارجی کشور ناشی، از عدم مراعات عزت، حکمت و مصلحت بوده است.

به نظر من دیپلماسی ما نه تنها در مسأله تونس و مصر، بلکه در کل تحولات منطقه نتوانست واکنش مثبت و فعالی، با دقت و سرعت لازم از خود نشان دهد و حتی از اعزام عنصری که سوابق دیرینه با مسئولین و کارگردانان کنونی این کشورها دارند، برای گفت و گو و ابراز همدردی و اعلام آمادگی برای همکاری و تعاون در رفع مشکلات به وجود آمده، عاجز و ناتوان ماند!

البته اعزام چند خبرنگار و گزارشگر تلویزیون به یکی دو کشور بسیار مفید و ستودنی است، ولی این امر، با شرکت و حضور عینی در صحنه سیاسی تفاوت آشکاری دارد. تحولات منطقه از تونس و مصر و بحرین و یمن، تا الجزایر و لیبی و... به نوعی سونامی اجتماعی پس از یک زلزله سیاسی حداقل ۱۰ ریشتری! بود، بنابراین به یک تحرک سریع و اساسی برای پیش گیری از صدمه های احتمالی نیاز داشت - و دارد. -

به عبارت روشن تر: در مقابل توطئه دشمن، اعم از محافل امپریالیستی - صهیونیستی و یا عناصر ارتجاع فاسد عرب، که به تعبیر قرآن آشد کفرا و نفاقاً هستند، ما باید علاوه بر دیپلماسی رسمی به نوعی دیپلماسی فعال غیر علنی که مشکل ملموس عینی - حضوری می داشت، روی می آوردیم و با تلفیق پشتیبانی و پوشش خبری مناسب، با سیاست تعاون عملی، در همه زمینه ها، به یک مرحله تکمیلی تأثیرگذار می رسیدیم.

متأسفانه عدم توجه به نظریات کارشناسی کسانی که سالیان دراز علاوه بر حضور عینی، درباره مسائل منطقه تحقیق و مطالعه میدانی داشته اند، موجب شد که در عمل دیپلماسی ایران اسلامی به میزان کافی و کامل فعال و تأثیرگذار نباشد. و از سوی دیگر اظهارنظرهای متضاد و یا تحریک آمیز بعضی از مقامات غیرمسئول، نتیجه معکوس نصیب ما ساخت. امیدوارم دوستان مسئول کنونی دیپلماسی کشور، که البته با ایجاد دگرگونی غیرمنتظره در ساختار آن، به طور موقت دچار رکودی خاص گردیده، از این

یعنی جناحی معتمد که با سقوط رژیم مبارک و موضع گیری اعضای غرب، مصر آینده در مسیر صحیح و در راستای اهداف مردم مسلمان قرار خواهد گرفت؟

همانطور که اشاره کردم از هم اکنون، و پس از اظهارات دوستانه آقای نبیل العربی، آمریکا و اسرائیل به جنب و جوش افتاده و در حال تهیه طرحی برای تخریب وضع هستند. سیا و موساد در گذشته و دوران حسنی مبارک، همیشه در تخریب روابط بین مصر و دیگران و ادامه قطع آن با ایران در تلاش بودند و متأسفانه وابستگی کامل حسنی مبارک و ایادی او، بویژه عمر سلیمان، به دستگاه های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل، در موفقیت دشمنان، نقش اصلی را بازی می کرد. تا آنجا که آقای نبیل العربی در گفتگویی با شبکه ماهوره ای «دریم» - مصر - به این نکته اشاره کرده و به صراحت گفت: اسرائیل روزگاری خیلی کارها می توانست انجام دهد اما اکنون گنج مبارک برای اسرائیل دیگر وجود ندارد! و البته همه می دانیم که حسنی مبارک با دادن چراغ سبز به اسرائیل در حمله به

جناب خسروشاهی! به عنوان کسی که سال ها نهضت های آزادی بخش اسلامی مصر را رصد کرده اید، اساساً به پیروزی انقلاب مردم مصر و محو کامل رژیم مبارک و برقراری ارزش ها و آرمان های انقلاب مصر چقدر امیدوارید؟

انقلاب مردم مصر بی تردید به یک پیروزی بزرگ پس از ۶۰ سال دیکتاتوری سرهنگ ها (سرهنگ ناصر، سرهنگ انور سادات، سرهنگ حسنی مبارک) رسیده است... خلع ریشه اصلی این رژیم، خود یک پیروزی بزرگی است. و با محو کامل پس مانده های آن، ارزش ها و آرمان های مردم مسلمان مصر برقرار خواهد شد.

پیروزی کنونی مردم مصر، پیروزی نهایی نیست، بلکه صرفاً پیروزی بر یک نظام دیکتاتوری سفاک و وابسته است؛ و انشاءالله با تغییر شاکله فعلی و از بین رفتن سلطه ژنرال های ظالم - که به جای سرهنگ های قاتل نشسته اند - و برگزاری انتخابات و اجرای مواد قانون اساسی اصلاح شده جدید، مردم مصر به پیروزی نهایی و آرمانی خود خواهند رسید... یعنی علاوه بر حذف حسنی مبارک و چند مهره شناخته شده باند مافیایی رژیم وی، باید پس مانده های رژیم، به تدریج و طبق قانون جدید برکنار شوند و نسل جدیدی از فرهیختگان و جوانان مسلمان مصر، اداره امور کشور را در دست بگیرند که در این صورت پیروزی کامل تحقق خواهد یافت.

البته توطئه ها برای استمرار و بقای سلطه عناصر رژیم سابق ادامه دارد ولی واکنش های اخیر انفعالی آمریکا و اسرائیل در قبال موضع گیری های مسئولین دولت کنونی نشان دهنده آن است که مسیر حوادث در مصر، بر وفق مراد آنان نیست و این می تواند نکته مثبتی در ارزیابی مسائل کنونی باشد. و به عبارت دیگر:

با توجه به موضع انفعالی آمریکا و اسرائیل و ارتجاع عرب - بتلور یافته در رژیم منحل آل سعود - و سردرگمی همه آنها در قبال پیدایش چنین موج عظیم مردمی، که هرگز سرکوب آن مقدور نیست، نتایج درخشان بیشماری نصیب ملت های مسلمان منطقه خواهد شد.

توجه به شرایط داخلی کشورهایی نظیر مصر و تونس، در زمینه های عقیدتی و سیاسی یکی از ضروریات رسیدن به یک نتیجه مثبت و منطقی است... توقع داشتن از رهبری حرکت های اسلامی این کشورها، که مانند انقلاب اسلامی ایران وارد میدان شوند، همراه با مصلحت و حکمت نیست... هر کشوری، شرایط ویژه خود را دارد. باید اجازه داده شود که مردم و رهبری حرکت های اسلامی، به دور از شعار و جنجال، در راستای اهداف اسلامی خود به پیش بروند تا با شتاب زدگی و یا چپ گرایی غیرمسئولانه، با آثار نامطلوبی روبرو نشوند...

فکر می کنید نخبگان اسلام گرای مصری به خصوص گروه هایی چون اخوان المسلمین، در شرایط فعلی مصر توانایی تأثیرگذاری مثبت بر روند تحولات این کشور را خواهند داشت؟

به اعتقاد من جمعیت اخوان المسلمین مصر و جمعیت النهضة تونس - که هر دو از سازمان یافته ترین گروه های سیاسی این دو کشورند و ریشه در عمق جامعه دارند - کارگردان اصلی انقلاب، پس از آغاز قیام خودجوش توده ای مردم بوده اند و هستند. اخوان و النهضة - که شباهت بسیار در اندیشه و

صراحت مانرنجند که دیپلماسی ما از تحولات منطقه اصولا عقب ماند و حتی در عمل نتوانست تحلیل جامع و کاملی برای جلوگیری از اجرای توطئه ها و مصادره انقلاب ها، تهیه و ارائه دهد!

ایران، مصر و ترکیه سه کشور بزرگ حوزه تمدن اسلامی هستند. در سال های اخیر شاهد رشد روزافزون روابط ایران و ترکیه به عنوان دو دولت اسلام گرای منطقه بوده ایم. اگر با این تحلیل موافقتید، به نظر شما پیوستن یک ضلع دیگر تمدن اسلامی یعنی دولت اسلام گرای احتمالی در مصر به ایران و ترکیه چه تأثیری در شرایط خاورمیانه خواهد گذاشت؟

همکاری ایران با کشورهای اسلامی مهم منطقه، مانند مصر و ترکیه، با توجه به گرایش های جدید آن دو کشور، می تواند نقش تأثیرگذاری در زمینه های گوناگون مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی در جهان اسلام و عرب داشته باشد. حداقل ثمر این همکاری، خنثی کردن توطئه های دشمنانی است که می خواهند با نفوذ در ارکان بعضی از دولت ها، به اهداف نامشروع و ضد مردمی خود در منطقه برسند. اگر نوعی وحدت منطقی و همکاری فعال بین این سه کشور به وجود آید، نه تنها شرایط منطقه خاورمیانه بلکه شرایط عمومی جهان عرب و اسلام- در آفریقا و آسیا - به نفع ملت های آن، تغییر خواهد یافت.

فضای سیاسی داخلی مصر که مملو از نفرت از رژیم صهیونیستی است باعث شده است که گفتمان ضداسرائیل به وجه غالب اوضاع سیاسی این کشور تبدیل شود.

گفتمان مقاومت و اسرائیل ستیزی به برگ برنده ای در میان چهره های مطرح مصری به ویژه کاندیدهای ریاست جمهوری آینده این کشور بدل شده است. نشانه های رواج این گفتمان در رویکرد و سیاست خارجی مصر در اظهارات چهره هایی همچون، محمد البرادعی، عمروموسی، حمدین صباحی، نبیل العربی، محمد حسین طنطاوی و تظاهرات اخیر مردم مصر در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره و درخواست ها برای اخراج سفیر تل آویو از این کشور کاملاً آشکار است.

القدس العربی:

مصر به مسیر صحیح باز می گردد

روزنامه القدس العربی چاپ لندن در تحلیلی با عنوان؛ "مصر به جهت صحیح باز می گردد" نوشت: اینکه رژیم اسرائیل ژنرال محمد حسین طنطاوی رئیس شورای عالی نظامی مصر را مانعی بر سر راه مبارزه با انتقال سلاح به غزه می داند، نشان دهنده این است که مصر واقعا مسیر تغییر را یافته و جایگاه منطقه ای و بین المللی خود را در قضایای منطقه پیدا کرده است.

تحلیل گر این روزنامه با اشاره به اینکه اسرائیلی ها به خوبی از این واقعیت اطلاع دارند که ارتش مصر به حمایت از امنیت ملی خود اعتقاد دارد می نویسد: به همین دلیل است که اسرائیلی ها اصرار دارند که در صحرای سینا تنها تعداد محدودی از سربازان مصری حضور داشته باشند و این موضوع را در معاهده کمپ دیوید به عنوان شرط بازگرداندن سینا و کانال سوئز به مصر گنجانده اند.

در این تحلیل آمده است: غزه امتداد طبیعی امنیت ملی مصر به شمار می رود و تاپیش از اشغال توسط اسرائیلی ها حاکم نظامی از سوی مصر آن را اداره می کرد و عجیب نیست که دکتر نبیل العربی وزیر خارجه مصر به صراحت خطاب به صهیونیست ها می گوید که در صورت حمله مجدد آنان به غزه، مصر ساکت نخواهد نشست.

تحلیل گر القدس العربی می افزاید؛ یک فرق اساسی بین نبیل العربی وزیر خارجه فعلی مصر با

امیدواریم که پس از تشکیل دولت جدید اسلام گرای مصر، و تعدیل بعضی از مواد قانون اساسی دولت ترکیه، اتحادی موفق بین این سه کشور به وجود آید و به تدریج کشورهای دیگر -مانند تونس و لیبی و یمن و...- نیز به آن بپیوندند.

گویا آقای نبیل العربی هم خواستار تغییر نام خیابان "خالد اسلامبولی" شده است؟ نظر شما در این زمینه چیست؟

در مورد انتخاب بین تغییر نام خیابان خالد اسلامبولی و یا ادامه قطع روابط ۱۵۰ میلیون مسلمان مصر و ایران، بی تردید بنده با آن تغییر موافق خواهم بود. انور سادات عنصر خائن و مزدوری که قرارداد

کمپ دیوید را امضاء کرد و امام خمینی (رحمت الله علیه)برای تقبیح این عمل زشت و ننگین، بحق دستور قطع رابطه را داد، به سزای عمل نکبت بار خود رسید و سپس ادامه دهنده راه او، یعنی حسنی مبارک نیز با خفت و ذلت از کار برکنار شد، دیگر چه توجیه منطقی برای ادامه امر (اگر موجب ادامه قطع رابطه ۱۵۰ میلیون مسلمان می شود) می توان ارائه کرد؟ اگر ما آثار مثبت و فراوان ارتباط رسمی و در سطح بالا با مصر را داشته باشیم، می توانیم اولا برادران مصری را در تصحیح مسیر خود یاری دهیم و ثانیاً در جلوگیری از اجرای نقشه های آمریکا و اسرائیل در آفریقا و جهان عرب و اسلام نقش عمده ای داشته باشیم و ثالثاً با همکاری

جهان اسلام

فرهنگی - مذهبی مشترک، توطئه تبشیر - مسیحی گری غربی ها و یا سلفی گری وهابیان آل سعود را خنثی کنیم.

از سوی دیگر باید متأسفانه اشاره کنیم که رهبران اصلی این گروه جهادی که خالد اسلامبولی عضو آن بود، پس از تحمل سالیانی دراز زندان، گویا به بازنگری افکار خود پرداختند و به قول خودشان ضمن تصحیح مواضع خود و پذیرش "حاکم" در کشور، به عنوان "اولی الامر"، چندین جلد کتاب در اثبات صحت راه جدید خود، تألیف و منتشر ساختند.

از جمله افکار انحرافی گروه "جماعت اسلامی"، "رافضی" نامیدن شیعیان بود که در واقع با نوعی "تکفیر" همراه بود و از سوی دیگر "شیخ کرم زهدی" - رئیس مجلس شورای جماعت - همراه دکتر ناحج ابراهیم، از اعضای برجسته و مرکزی گروه، در یک مصاحبه رادیویی مفصل با خانم لولا خرساء، در برنامه الحیاء والناس "اعدام انور سادات را اشتباه خوانده و ضمن تبرئه او به عنوان "اولی الامر" حتی او را شهید نامیدند این موضوع در تاریخ ۲۴ تیر ماه ۱۳۸۲ (۱۵ جولای ۲۰۰۳ میلادی) در هفته نامه الیوم السابع "چاپ قاهره هم که به سردبیری ولید مصطفی منتشر می گردید، منعکس شد که: "الرئیس محمد انور السادات، مات شهیداً!! البته باید اشاره کرد که عبودالزمر و برادر ایمن الظواهری از اعضاء برجسته جماعت اسلامی که علیرغم پایان یافتن

«اسرائیل ستیزی» گفتمان برتر در مصر جدید

"ضداسرائیلی بودن "محروم شدم!

عمرو موسی دبیر کل اتحادیه عرب که رقیب البرادعی در انتخابات ریاست جمهوری آینده شده و قصد دارد از سمت دبیر کلی اتحادیه عرب نیز کنار برود، به رویکرد ضداسرائیلی در سمت و سو گیری های اخیر متوسل شده است.

روزنامه فلسطینی القدس می نویسد؛ عمر موسی دبیرکل اتحادیه عرب و از کاندیدهای ریاست جمهوری آینده مصر در هفتمین کنفرانس سالانه توسعه مصر گفته است که در گذشته به دلیل مواضع ضد اسرائیلی خود از وزارت خارجه مصر محروم شده و اکنون زمان آن رسیده که مصر نقش تاریخی و حقیقی خود را باز یابد.

در این جلسه که بیشتر به نشست استیضاح شبیه بود از عمرو موسی درباره چرایی نقش کمرنگ اتحادیه عرب در تحولات مختلف سوال شد و او پاسخ داد: بگذارید نگاهی به حوادث اخیر ببندازیم تا به ایفای نقش اتحادیه عرب در این باره بهتری ببریم. وی افزود؛ برخی می گویند نقش اتحادیه عرب در دوره تصدی من تنها محکوم سازی یا تایید بوده است، این در حالی است که مثلاً "تعلیق عضویت لیبی در اتحادیه عرب کار بی سابقه ای بود که برای حمایت از غیرنظامیان در این کشور انجام شد".

عمروموسی در باره تصدی پست وزارت خارجه در دوران حسنی مبارک گفت: من در آن زمان به وظیفه خود عمل کردم و مواضع ثابت خود را در آن دوران داشتم. مثلاً به خاطر اینکه بین من و مبارک درباره اسرائیل ونحوه موضع گیری اختلاف وجود داشت از وزارت خارجه برکنار شدم.

از موسی پرسیده شد که چرا توافق نامه دفاع مشترک عربی احیاء نشده است و او پاسخ داد: بروید از دولت های عربی و حکومت هایشان بپرسید که چرا چنین اتفاقی نیفتاده است و چرا از توافق نامه مشترک دفاعی اعراب طفره می روند.

از عمرو موسی در باره موضعش در اجلاس اقتصادی داووس پس از اقدام تاریخی اردوغان علیه شیمون پرز سوالی مطرح شد، که دبیر کل اتحادیه عرب تصریح کرد: اردوغان می خواست حاشیه ای به سخنان شیمون پرز بزند اما به او زمان داده نشد و لذا بیرون رفت. اجلاس نزدیک به اتمام

نیمه اول اردیبهشت ماه _ شماره ۳ _ ۷

دوره سی ساله محکومیت، همچنان به دستور حسنی مبارک در زندان مانده بودند و پس از انقلاب اخیر توسط مردم آزاد شدند، با تغییر مواضع دوستان خود موافقت نکردند و در مورد اعدام سادات، گفتند که "به وظیفه شرعی خود عمل کرده اند..."

البته این نوع تغییر موضع و ابراز عقیده متضاد با اندیشه قبلی، به هیچوجه توجیه نیست و بهرحال من فکر نمی کنم که ادامه قطع روابط، آن هم به خاطر نام یک خیابان، که دیگر تأثیر مثبت سابق را در ایران و جهان اسلام ندارد، صحیح باشد، بلکه نوعی، صدمه زدن به اهداف وحدت طلبانه نظام اسلامی ایران خواهد بود.

همکاری و تعاون همه جانبه با مسلمانان مصری، پس از سقوط باند مافیایی باقیمانده از رژیم مبارک و به روی کار آمدن دولتی مستقل و آزاد، که بی تردید اسلام گرایان در آن نقش عمده و اساسی خواهند داشت، یک ضرورت تاریخی است و هرگونه مقدمه و بسترسازی مشروع را واجب می سازد.

البته این یک نظریه کارشناسی، پس از حضور عینی در مصر و تماس مستقیم با گردهمایی سیاسی - مذهبی و پی گیری و بررسی امور مصر به مدت نیم قرن! است... و تصمیم گیری نهایی به عهده کسانی خواهد بود که "یستمعون القول فیتبعون احسنه". والله العالم!

بود و من از جایم برخاستم تا به او (احتمالا اردوغان)تبریک بگویم زیرا او مرد بزرگی است و ۲ دقیق پس از آن نشست داووس به پایان رسید. به گزارش الشروق مصر، عمروموسی همچنین در پایان اجلاس فوق العاده اخیر وزرای اتحادیه عرب در خصوص حمله اسرائیل به غزه (یکشنبه هفته جاری) گفت: اتحادیه عرب تصمیم گرفته است که سازمان ملل را برای برگزاری جلسه اضطراری شورای امنیت مکلف کند تا تجاوزهای اسرائیل به غزه پایان یابد و "محدوده پرواز ممنوع" برای حمایت از غیرنظامیان در غزه نیز اعمال شود. در بیانیه اتحادیه عرب آمده است: "کشورهای عربی سیاست دوگانه در قبال قضیه فلسطین را محکوم می کنند و از جامعه جهانی می خواهند تدابیر لازم را برای ممانعت از تجاوزگری اسرائیلی ها اتخاذ کنند".

حمد ین صباحی: از کمپ دیوید متنفرم

حمدین صباحی عضو ارشد حزب الکرامه و از شخصیت های ملی گرای مصر که قرار است در انتخابات ریاست جمهوری آینده این کشور کاندید شود نیز از توقف صدور گاز مصر به اسرائیل و رفراندوم برای لغو کمپ دیوید سخن گفت.

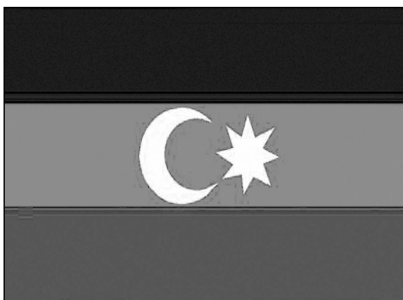
روزنامه مصر الجدیدة نوشت: صباحی در کنفرانس ملی "ناصر" از برنامه های انتخاباتی خود سخن گفته و تاکید کرده است که اگر رئیس جمهور مصر شود اولین تصمیم وی توقف صادرات گاز مصر به اسرائیل خواهد بود.

صباحی افزود: دیگر سیاست گذاری مصر را کاخ سفید و کنست اسرائیل انجام نخواهند داد و اراده مصری ها تعیین کننده خواهد بود.

عضو حزب الکرامه افزود: از معاهده کمپ دیوید متنفرم زیرا ماحصل آن ارزش خون شهدا را نداشت. صباحی تصریح کرد: در صورت انتخاب برای ریاست جمهوری در معاهده کمپ دیوید با رفراندمی مردمی تجدید نظر خواهم کرد.

سابقه این اشخاص که هیچ یک در عمل هیچ گاه ضداسرائیلی نبوده اند باعث عدم اقبال مردمی به آنها شده است. با این وجود توجه به فضای سیاسی داخلی مصر شان می دهد که رئیس جمهور آینده مصر تحت فشار افکار عمومی نمی تواند ضداسرائیلی نباشد.

تنش های اجتماعی در جمهوری آذربایجان



آذربایجان* در محکومیت قانون منع حجاب صورت گرفت که این اعتراض ها با فرا رسیدن ماه محرم ابعاد گسترده تری یافت، به گونه ای که در ۱۹ آذرماه ۱۳۸۹ برابر با چهارم محرم، یکی از بزرگترین تجمعات اعتراض آمیز مردم شیعه باکو، در مقابل ساختمان وزارت آموزش جمهوری آذربایجان شکل گرفت که با ضرب و شتم و دستگیری بیش از ۳۵ نفر از معترضین توسط پلیس و نیروهای امنیتی همراه بود، علاوه بر آن بیش از سی هزار نفر از مردم جمهوری آذربایجان در اجتماع باشکوه روز عاشورای حسینی که در زیارتگاه نارداران باکو (منسوب به خواهر امام رضا(ع) برگزار شد، بر لزوم لغو ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در مدارس متوسطه تأکید کردند.

واکنش ها

۱- داخلی

در نتیجه مقاومت سرسختانه تشکل های مذهبی و "حزب اسلام" مسائل و حوادث مرتبط با حجاب در جمهوری آذربایجان، به مهمترین چالش دولت باکو تبدیل گردیده است. رئیس جمهور آذربایجان با مشاهده شرایط نامناسب داخلی و منطقه ای، جهت اجرای سیاست ممنوعیت حجاب، به منظور فراقتنی مشکلات سیاسی، اجتماعی موجود، به طرح موضوع بی اساس و گمراه کننده ای چون اتحاد آذری های جهان و رهبری آذربایجان جهان* روی آورد. بنا به اخبار مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶ برخی پایگاه های اطلاع رسانی الکترونیکی جمهوری آذربایجان، منجمله "فاکت خبر" گزارش گردیده است که رئیس جمهوری آذربایجان به مجلس ملی این کشور در خصوص "حل مسالمت آمیز ممنوعیت حجاب" توصیه نموده است. مسلماً این اقدام را می توان آغازی برای عقب نشینی دولت در اجرای سیاست ضد دینی اخیر تلقی کرد. البته، از سوئی نیز به گزارش مورخ ۸۹/۱۰/۱۷ سایت خبری "اسلام آذری" دکتر محسن صمداف رهبر حزب اسلام، عصر روز جمعه هفدهم دی ماه به همراه معاون و تعدادی از اعضای بلندپایه این حزب دستگیر و راهی زندان شدند که این خود نشانگر سردرگمی دولتمردان حاکم بر باکو در خصوص نحوه پایاندی به مشکل خود ساخته حجاب دارد. حزب اسلام جمهوری آذربایجان به رهبری دکتر محسن صمداف، در مقابله با سیاست اخیر دولت آذربایجان مبنی بر ممنوعیت حجاب در مدارس، نقش مهمی ایفا کرده است. در این راستا مجلس عالی حزب اسلام در نشست سراسری اش، سیاست های دین ستیزی و حجاب ستیزی دولت باکو را محکوم نمود.

برخی اقداماتی که پس از صدور بیانیه اخیر وزارت آموزش صورت گرفته است، عبارتند از:

* برگزاری بیش از ۲۵ تجمع اعتراض آمیز در ۱۵ شهر مهم جمهوری آذربایجان از جمله: باکو، گنجه، جلیل آباد، آستارا و...

* محور قرار دادن بحث حجاب در نمازهای جمعه شهرهای مختلف جمهوری آذربایجان و محکومیت سیاست ضد دینی دولت

* برگزاری اجلاس سراسری، انجام سخنرانی ها و صدور بیانیه های اعتراض آمیز توسط رئیس و مسئولین حزب اسلام جمهوری آذربایجان

* تظاهرات خیابانی

هزاران عزادار آذربایجانی طی روزهای تاسوعا

اسلام و جمهوری آذربایجان را می توان در بررسی مسائل و حوادث دوران جنگ های جهانی و بویژه پس از انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای که تزارها و کمونیست ها بر آن خطه تسلط یافتند، جستجو نمود. (۴) در بررسی سیاست حجاب ستیزی در ج. آذربایجان بویژه طی سالهای اخیر، مشخص می گردد که سیاست های ضد دینی حاکمیت جاری بر مبنای روند و شیوه گام به گام است. در این راستا اقداماتی نظیر: تخریب یا تعطیل نمودن مساجد - ممنوعیت پخش اذان از مناره های مساجد - ممنوعیت ورود خادمان دینی به رقابت های انتخاباتی - ممنوعیت صدور اسناد هویتی از قبیل شناسنامه و گذرنامه با عکس دارای پوشش اسلامی - ممنوعیت کمک مالی به رسانه های اسلام گرا - ممنوعیت پخش برنامه های دینی از شبکه های تلویزیونی - ممنوعیت اقامه نماز در پادگان های نظامی - ممنوعیت وجود نمادهای دینی در مراکز دولتی - ممنوعیت عزاداری عمومی (خیابانی) در ایام محرم - ممنوعیت افتتاح دفاتر مراجع تقلید - ممنوعیت افتتاح حوزه علمیه و... قابل توجه و ارزیابی است.

در واپسین روزهای سال ۱۳۸۶ لایحه جدید نظام آموزشی که بر اساس ماده ۱۱ آن، داشتن حجاب در مراکز آموزشی از دوره های ابتدایی تا عالی ممنوع می گردید در پارلمان جمهوری آذربایجان مطرح شد که موجب اعتراض گسترده مردم، شخصیت های مذهبی، سیاسی و فرهنگی به ویژه بانوان محجبه گردید که در همین راستا زنان جمهوری آذربایجان تجمع گسترده ای در مرکز بین المللی مطبوعات باکو برگزار نمودند و به طرح لایحه فوق اعتراضی کردند. در نتیجه عکس العمل شدید مردم، ماده ۱۱ لایحه فوق مسکوت ماند. اما متولیان نظام آموزشی جمهوری آذربایجان، اجرای غیر رسمی آن را به مدیران برخی مدارس واگذار نمودند که در نتیجه آن هر از گاهی اخباری در خصوص ممانعت از ورود دانش آموزان محجبه به برخی مدارس دریافت می شد که معمولاً با اعتراض تشکل های دینی و... موضوع حل می گردید؛ در اوایل سال ۸۸ پارلمان جمهوری آذربایجان در راستای اصلاح قوانین آموزشی تلاش کرد تحت لوای پوشش یکسان، حجاب در مدارس و مراکز آموزش عالی این کشور را ممنوع اعلام کند که این امر نیز با واکنش های جمهوری آذربایجان با روش های مختلف مانند برگزاری تجمعات متعدد، برگزاری همایش ها و نشست های مختلف، مراجعه حضوری به متولیان امور دینی و آموزشی، امضاء طومار، نگارش نامه های متعدد به رئیس جمهور و سایر مسئولین دولتی و انجام اقدامات نمادین و... مخالفت شدید خود با ممنوعیت حجاب اسلامی در مدارس را نشان داده اند. اینک پس از برگزاری انتخابات پارلمانی که با پیروزی بحث برانگیز حزب حاکم همراه بود، مقامات آذری یک بار دیگر تلاش برای ممنوعیت حجاب اسلامی در جمهوری آذربایجان را آغاز کرده اند که این موضوع همانند دفعات قبل با مقاومت دین مداران مواجه شد.

اعلام رسمی ممنوعیت حجاب در مدارس

وزیر آموزش جمهوری آذربایجان "میسیر مردانو" اول آذر امسال با صدور بیانیه رسمی اعلام کرد: "دانش آموزان دختر برای ورود به مدارس متوسطه باید یونیفورم (لباس متحدالشکل با دامن کوتاه و بدون روسری) بپوشند" پس از این تصمیم، مدیران برخی از مدارس باکو، از ورود دانش آموزان و آموزگاران محجبه به مدارس جلوگیری کردند. در پی این جریان، در برخی از شهرهای مهم مانند باکو، گنجه، ماسالی، جلیل آباد، نارداران و... اعتراضات وسیعی با محوریت "حزب اسلام جمهوری

رضاشاه ۱۳۱۸-۱۳۰۴ ه-ش توسط سازمان اسناد ملی ایران به سال ۱۳۷۴ منتشر شده است. این سند، گزارش کنسولگری ایران در ایروان به اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه ایران است که در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۰۵ هجری خورشیدی نوشته شده و در صفحات ۱۲ و ۱۳ کتاب، متن این سند بدین قرار است:

اداره دوم سیاسی، سواد راپرت کنسولگری ایروان، ۱۴ آذر ۱۳۰۵ خورشیدی، نمره ۱۸۱۰

از قرار اطلاع خصوصی که به این کنسولگری رسیده، چندی است در آذربایجان قفقاز کمیته ای تشکیل شده که مرام آنها یکی نمودن آذربایجان ایران با آذربایجان قفقاز است. به عبارت آخری کمیته مزبور در تحت این عنوان که چون اهالی آذربایجان ایران و قفقاز هر دو از طایفه مغول بوده، قومیت و ملیت آنها یکی است و به کلی از ملت فارس مجزایی باشند، لذا می بایستی این دو قسمت با هم متحد گشته، یک حکومت جمهوری شوروی تشکیل دهند و برای نیل به این مقصود هم کمیته مزبور مشغول عملیات شده، در هر یک از حکومت های متحده قفقاز به مثل تفلیس، ارمنستان، نخجوان و غیره شعبه تشکیل داده، همه وقت مبلغین نیز با وجه به تبریز اعزام می دارند. چندی قبل هم شخصی موسوم به کریم کریم اف* را با یک نفر زن یهودیه و مقداری وجه برای تبلیغ به تبریز اعزام داشته بودند که مشارالیه چندین کت به تبریز رفته و مراجعت کرده است. نظر به اهمیت موضوع حسب الوظیفه مراتب را به عرض رسانده...

آری با این تفکرات التقاطی که بر محور ملی گرایی و در قالب پان تورکیسم استوار گردیده بود، نشان نژادپرستانه و مغولی "بوز کورد" (گرگ خاکستری) به عنوان نماد هویت دولت پان ترکیست آن سوی ارس در سطح گسترده به کار گرفته شد و سران باکو از هر گونه بی احترامی، توهین و تحریف به هر آن چه مربوط به هویت یاران و ایرانی می شد، پرهیز نکردند. در این راستا کاربرد زبان فارسی در سرزمین های آن سوی ارس که در دوران پیش از کمونیست ها و امپراتوری تزارها persideski یعنی سرزمین ایرانی نامیده می شد، به طور کامل ممنوع شد و طی گسترش زبان ترکی با خط سیریلیک در آن سامان کاربرد زبان های اقوام مختلف ساکن سرزمین های آن سوی ارس همچون تالشی، کردی، لرگی، آوار، ارمنی و گرجی نیز در تهدید و انزوای جدی قرار گرفت.

معضل ملی گرایی

رئیس جمهور آذربایجان آلهام علی اف* تاریخ ۱۰ دیماه را سالروز "پیمان گلستان" و آن را به عنوان "روز همبستگی آذربایجانی های جهان" اعلام نمود و تبلیغات گسترده ای بر علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت. (۱) وی خود را رهبر آذری های جهان خواند و گفت: "هموطنان عزیز، هم تباران محترم، موجودیت دولت مستقل آذربایجان، شرایط گسترده ای را برای تقویت هر چه بیشتر اتحاد ملی میان آذربایجانی های دنیا و سازماندهی هموطنانمان فراهم می کند. در همین حال، هم تباران خارج از کشور (۲) نیز برای توسعه کشورمان و یاری رساندن به حل مشکلاتی که بروز می کنند، تلاش می کنند، ثمر واقع شدن این یاری رسانی در سایه اتحاد منسجم نیز به امر سازماندهی دیاسپورا (جمعیت ذی نفوذ در خارج از کشور) اهمیت زیادی می دهد و به این روند کمک همه جانبه می نماید. (۳) در سال آینده کنفرانس "سومین کنگره سراسری آذربایجانی های دنیا" برای فراهم نمودن زمینه های اتحاد، در شهر باکو برگزار خواهد شد."

مسئله حجاب

تاریخچه سیاست های دین ستیزی در جهان

به استناد مدارک تاریخی، خطه آذربایجان بخشی از سرزمین تاریخی و حوزه فرهنگی ایران زمین است. جمهوری آذربایجان که در سال ۱۳۷۰ (در پی انحلال شوروی سابق) اعلام استقلال کرد، با وسعت ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع و افزون بر ۹ میلیون نفر جمعیت با جمهوری اسلامی ایران حدود ۶۷۰ کیلومتر مرز خاکی دارد و در دریای خزر نیز دارای مرز آبی است. جمهوری اسلامی ایران مهمترین همسایه جمهوری آذربایجان در جمهوری خودمختار نخجوان است. دو کشور، مشترکات فراوان تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارند و دارای جمعیت با اکثریت مسلمان شیعه هستند. ۷۰ درصد آذربایجانی ها مسلمان شیعه و ۲۵ درصد مسلمان سنی و ۵ درصد بقیه مسیحی (عمدتاً ارتدوکس) - یهودی و دیگر اقلیت های مذهبی هستند. مرکز مذهبی ماورای قفقاز که در باکو قرار دارد نظارت بر امور مذهبی مسلمانان آذربایجان، گرجستان و داغستان را به عهده دارد. در جمهوری آذربایجان یک هزار مسجد وجود دارد که یک سوم آن را مساجد قدیمی تشکیل می دهند. در شهر باکو تقریباً یک صد مسجد وجود دارد که نیمی از آن در یک محله کوچک قدیمی به نام "آیچری شهر" واقع شده است.

هم چنین در سال تحصیلی ۱۳۰۷-۸ خط با الفبای عربی در جمهوری آذربایجان لغو و به جای آن از خط لاتین استفاده شد. ولی در سال ۱۳۱۸ این خط نیز جای خود را به الفبای سیریلیک داد و سرانجام در سال ۱۳۷۰ دیگر باره خط لاتین به عنوان خط رسمی جمهوری آذربایجان رسمیت یافت. در منطقه قفقاز، جمهوری آذربایجان، نقش مرکزی و تعیین کننده ای در سیاست های جمهوری اسلامی ایران دارد.

پیشینه تاریخی

برای آگاهی از سرگذشت سرزمین های قفقازی ایران در طول ۱۹۷ سال از جدایی آنان، یادآوری پیشینه تحولات منطقه آذربایجان واقعی و تاریخی به مرکزیت تبریز، واران و شروان تاریخی به مرکزیت باکو ضروری می نماید. کمونیست های حاکم بر باکو، از بدو سلطه (۱۲۹۶) با اقدامی ضد اخلاقی و ضد تاریخی نام سرزمین آذربایجان ایران را بر روی سرزمینی نهادند که در همه تاریخ به عنوان "آلبانیای قفقاز" یا اران و شروان، نامیده شده است. اطلاق سرزمین های شمال رأس به آذربایجان از همان آغاز اعتراض های گسترده ای را در ایران موجب شد و نخبگان جامعه ایران از جمله علامه "دهخدا" و "ملک الشعرای بهار" پیش بینی نمودند این اقدام در راستای زمینه سازی برای توطئه های ارضی آتی و ادعای مالکیت بر آذربایجان واقعی و جدایی آن از خاک ایران انجام می گیرد.

مروری بر سلسله اقدامات ضد ایرانی سران مسکو و باکو در دو مقطع ۱۲۹۶ و ۱۳۷۰ میلادی (زمان جدایی از شوروی) موید این نکته است که روسیه تزاری و بعدها حکومت های کمونیستی تلاش بسیاری کرده اند که بسترهای بازگشت سرزمین های از دست رفته ایرانی در قراردادهای گلستان (۱۱۹۲) و ترکمانچای (۱۱۰۷) به ایران را از بین ببرند. بر این اساس فرایند، جعل هویت - تاریخ سازی و تحریف واقعیت های تعلقات و پیوستگی های منطقه به ایران - دامن زدن به اختلافات ساختگی نژادی با هدف دور کردن مردم قفقاز از ایران - و در مرحله بعد تجزیه آذربایجان تاریخی از ایران مورد توجه حاکمان بر مسکو و باکو قرار گرفت.

در این راستا، یکی از صدها سند تاریخی مربوط به فعالیت های انجام شده توسط ضد ایرانیان آن سوی ارس برای تشکیل به اصطلاح آذربایجان واحد، در کتاب اسناد روابط ایران و شوروی در دوره

و عاشورای حسینی در عزای مولا و مقتدای خویش امام حسین(ع) در حالی که بر سر و سینه می زدند و اشک ماتم می ریختند، با شعارهای "ما می میریم از حجابمان نمی گذریم - حجاب ما یادگار حضرت فاطمه(س) و حضرت زینب(س) است - حجاب ما شرف و ناموس ماست - هیئات منالذله، حسین حسین شعار ما، شهادت افتخار ماست"

اولین نشست سراسری جامعه روحانیت آذربایجان

با حضور بیش از ۴۰ تن از روحانیون شهرهای مختلف جمهوری آذربایجان در باکو برگزار گردید.

برگزاری همایش بانوان محجبه

همایش مذکور طی مورخ ۸۹/۷/۴ و تحت حمایت حاج القار ابراهیم اوغلو رئیس مرکز دفاع از آزادی وجدان و اعتقادات دینی و با شرکت خود یک هزار نفر از بانوان، دانش آموزان و دانشجویان محجبه برگزار گردید که پس از پایان همایش روانه مسجد تازه پیر گردیدند تا اعتراض شان در خصوص ممنوعیت حجاب را به رئیس اداره مسلمانان قفقاز اعلام نمایند.

اعضاء طومار بیش از دو هزار نفر از دینداران و بانوان محجبه شهر جلیل آباد در مورخ ۱۵ آذر ۱۳۸۹ طی اقدامی خودجوش اقدام به امضاء طوماری بزرگ کردند که از الهام علی اف خواستار رفع قانون ممنوعیت حجاب در مدارس و مؤسسات آموزشی گردید.

فعالیت رسانه های اسلامگرا

علی رغم سیاست رسانه ای دولت در عدم پوشش اعتراضات مردمی، فعالیت قابل توجه رسانه های گروهی اسلامی جمهوری آذربایجان، نقش بسزایی در اطلاع رسانی و آگاه سازی جامعه آذربایجان و نیز انعکاس اخبار به کشورهای منطقه داشته است. مطبوعات اسلامگرا نیز با انتشار مقالات، یادداشت ها، مصاحبه ها و... به ایفای نقش خود در پاسداری از ارزش های اسلامی (بویژه حجاب) پرداختند.

انجام نظرسنجی ها

از دیگر اقدامات ارزشمند رسانه های گروهی اسلامگرای آذربایجان، انجام نظرسنجی های مختلف در خصوص حجاب است که آخرین مورد آن توسط سایت اینترنتی فاکت خبر انجام پذیرفت و در آن از ۷۷۵ نفر شرکت کننده، ۳۹ نفر گزینه امتناع از تحصیل جهت رعایت حجاب، ۵۹ نفر گزینه تحصیل بدون حجاب، ۴۸۱ نفر گزینه پیگیری حقوقی مطالبات و ۱۹۶ نفر عصیان بر علیه دولت را انتخاب کرده بودند.

صدر بیانیه ها و اعلام مواضع

- بیانیه های متعددی توسط رؤسای برخی احزاب و تشکل های جمهوری آذربایجان همانند حزب سبز، تشکل بیرلیک، سازمان وحدت ملی و معنوی آذربایجان، مرکز دفاع از آزادی وجدان و اعتقادات دینی آذربایجان و... صدور گردید.

برخی احزاب حتی غرب گرا و غیردینی مانند "جبهه خلق" و روزنامه "ینی مساوات" به موضعگیری های مناسب و همگرا با جامعه اسلامی پرداختند. در این راستا کریملی رهبر جبهه خلق جمهوری آذربایجان در گفتگوی تلفنی با برنامه زنده "کومپاس" سیمای آذری شبکه جهانی سحر، سیاست دولت این کشور را در منع حجاب در مدارس سیاستی نادرست ارزیابی نمود و آن را شکلی از محدود کردن حقوق بشر دانست.

اقدام نمادین کارمندان زن روزنامه غرب گرای "ینی مساوات" مبنی بر حضور در سر کار با پوشش اسلامی جهت اعلام مخالفت شان در خصوص ممنوعیت حجاب، نمونه دیگری از اعتراضات فوق محسوب می گردد.

روزنامه های غرب گرای ینی مساوات و اکسپرس مطالبی را در خصوص محکومیت سیاست دولتی ممنوعیت حجاب در مدارس منتشر

کردند.

برخی مدیران مدارس به ویژه در منطقه صابونچی باکو به عنوان اعتراض به ممنوعیت حجاب استعفاء دادند.

بروز تنش در کمیته دینی جمهوری آذربایجان در حالی که هدایت اروج اف رئیس این کمیته بر حمایت از سیاست دولت تأکید می نماید. "ناهید محاداف" از مسئولین این کمیته اعلام نمود: "حجاب، حق فردی و قانونی هر کسی است و نمی توان برای آن قانون ممنوعیت صادر کرد. حجاب را با قانون نمی شود تنظیم کرد."

۲- خارجی

تجمعات اعتراض آمیز آذربایجانی های مقیم گرجستان، روسیه و اکراین

سخنرانی ها و بیانیه های شخصیت های فرهنگی و تشکل های بانوان در کشورهای اروپایی و آسیایی در راستای محکومیت اقدام ضد دینی دولت ج. آذربایجان و تأکید بر حمایت شان از مردم مسلمان آذربایجان.

راهپیمایی اعتراض آمیز مردم برخی شهرهای ترکیه مانند اسلامبول و ساکاریا جهت لغو ممنوعیت حجاب در جمهوری آذربایجان و نیز صدور بیانیه های مختلف از سوی تشکل های مختلف از جمله اتحادیه علمای کوثر ترکیه.

تجمعات گسترده و متعدد طلاب آذربایجانی مشغول به تحصیل در قم.

اعلام موضع برخی مراجع عظام تقلید و ائمه جماعات شهرهای بزرگ در جمهوری اسلامی ایران در محکومیت اقدام ضد دینی و تأکید بر رعایت حجاب اسلامی در جمهوری آذربایجان

بررسی علل صدور بیانیه ممنوعیت حجاب

سئوال ها:

دولت باکو به چه دلایلی علیرغم آگاهی از حساسیت مردم و به ویژه دین مداران این کشور به مقوله حجاب، نسبت به صدور بیانیه فوق اقدام نمود؟

مگر دولت جمهوری آذربایجان چند ماه از این، مقاومت دلیرانه مردم در جریان مسجد حضرت فاطمه زهرا را تجربه نکرده بود؟

آیا دولتمردان باکو از تضاد این بیانیه با مفاد قانون اساسی ج. آذربایجان اطلاع نداشتند؟

مگر دولت جمهوری آذربایجان از مغایرت این تصمیم با مقررات و اصول حقوق بشر آگاه نبود؟

آیا در کشوری که ۲۰ درصد اراضی آن در اشغال دشمن است، نباید ایجاد اعتماد متقابل بین دولت و مردم، در صدر سیاست های کلان آن کشور قرار گیرد؟

پاسخ ها:

حکومت حاکم بر ج. آذربایجان با توجه به ماهیت مبتنی بر لائیسزم و سکولاریسم خود، به طور طبیعی از تعمیق باورهای اصیل اسلامی در بین مردمی که بیش از ۹۵ درصد آنان را مسلمانان تشکیل می دهند بیمناک و هراسان می باشد. البته این هراس از نخستین روزهای استقلال جمهوری آذربایجان و روی کار آمدن تربیت یافتگان لیبرالیسم و کمونیسم مشهود بود، لیکن طی سال های اخیر، جریان احیاء دینی در جمهوری آذربایجان که نشانه های آن مانند مقاومت مردم شیعه آذربایجان در برابر لایحه منع حجاب در مراکز آموزشی، ایستادگی و پیروزی مردم در مقابل ممنوعیت پخش اذان از مناره های مساجد، افزایش روز افزون حجاب اسلامی علیرغم وجود محدودیت های فراوان، افزایش حضور جوانان در مساجد، رفتار اجتماعی مردم در مناسبت های اسلامی مانند ماه محرم و ماه رمضان، برگزاری هر ساله روز جهانی قدس علیرغم محدودیت های فراوان، انجام تظاهرات گسترده در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه، برگزاری مراسم عزاداری در سالروز وفات پیامبر در میدان فضولی باکو علیرغم ضرب و شتم مأموران امنیتی و

بالاخره مقاومت سرسختانه مردم در مقابل تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا و... باعث گردیده واهمه دولت از رشد آموزه های اسلامی و شیعی بیشتر گردد که در همین ارتباط، تلاش دامنه داری برای متوقف نمودن این جریان در حال اجراء است. اسلامگرایان در ج. آذربایجان (به ویژه حزب اسلامی) پس از پیروزی چشم گیر خود در نتیجه لغو حکم تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا(س) موقعیت اجتماعی - سیاسی و نیز اعتماد به نفس بالایی به دست آورده و در مقابل دولت نیز بیش از پیش خود را در مقابل اراده جمعی دینمداران شکست خورده یافته است که می توان اقدام اخیر دولت در خصوص ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در مدارس را گامی برای خنثی سازی و یا تضعیف روند فوق ارزیابی نمود.

طی چند سال اخیر رعایت حجاب در میان زنان جمهوری آذربایجان بنا به دلایلی مانند: آشنایی روز افزون آنان با معارف اسلامی - کسب موفقیت های زنان محجبه ایرانی در عرصه های مختلف ملی و بین المللی - تظاهرات و تلاش های متعدد و مستمر زنان ج. ترکیه برای حذف ممنوعیت استفاده از حجاب در مراکز آموزشی - رشد روزافزون دین اسلام در سراسر دنیا شتاب بیشتری به خود گرفته است.

چپاولگران جهانبخوار، به خوبی دریافته اند در صورتی که مردم جمهوری آذربایجان بتوانند فرهنگ و هویت تاریخی خود را حفظ و احیا نمایند به هیچ کشوری حق بهره برداری نامشروع از منابع و موقعیت استراتژیک کشور خود را نخواهند داد، لذا غربی ها، آمریکایی ها و بویژه صهیونیست ها، از هیچ کوششی برای ترویج فرهنگ برهنگی و جلوه گیری از حجاب در بین مردم این کشور دریغ نمی نمایند. در شرایط فعلی و بنا به منافع مختلف، حاکمان بر باکو، تحت سیطره آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته اند لذا شرایط لازم برای اجرای خواسته های آنان را فراهم می نماید که منجمله، تلاش برای قانونی کردن ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در مراکز آموزشی، در همین راستا قابل ارزیابی است.

بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان مسائل قفقاز نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان را عامل مهمی در پدید آمدن این وضعیت می دانند. این نفوذ پس از سفر سال گذشته شیمون پرز به باکو شکل گسترده تری به خود گرفته است، در حال حاضر بسیاری از مردم جمهوری آذربایجان، رژیم صهیونیستی را عامل پشت صحنه بیانیه ضد دینی اخیر می دانند.

- بنابر گزارش روزنامه اینترنتی اسلام آذری که با استناد به رسانه های صهیونیستی منتشر شده، تحولات اخیر در جمهوری آذربایجان به دقت از جانب اسرائیل پیگیری می شود. بنابراین گزارش، آژانس خبری یهودی با لحنی آشکار از اقدامات "میسر مردانف" و حامیان وی ابراز خشنودی کرده و در عین حال تبعیت مسلمانان از احکام قرآنی را "رادیکالیزم اسلامی" نامیده است. در گزارش آژانس یهودی، صیانت مسلمانان از حقوق خود، به عنوان ضربه ای مهلک بر بدنه جامعه مسامحه گر آذربایجان ارزیابی شده است. اقدام اخیر دولت آذربایجان در ایجاد ممنوعیت برای حجاب اسلامی در مدارس، منطقاً با سیاست آشکار برخی نمایندگان کنست اسرائیل در خصوص ممنوعیت حجاب است. "مارینا سولودکین" نماینده پارلمان رژیم صهیونیستی و عضو فراکسیون "کادیما" چندی قبل در اقدامی عجیب در صدد ارائه لایحه ممنوعیت حجاب زنان در رژیم صهیونیستی بود که با انتقادات بسیاری نیز مواجه گردید. "حیدر جمال" رئیس جمعیت اسلامی روسیه، با تأکید بر اینکه حجاب ستیزی ناشی از گسترش مناسبات جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی و غرب است، اظهار داشت، جای تأسف است در حالی که، ترکیه بعد از این همه سال تجربه غربگرایی

در حال تجدیدنظر در این سیاست است، دولت باکو در آغاز این مسیر اشتباه قرار گرفته است.

تحلیل:

اسلام گرایی - ملی گرایی - غرب گرایی، سه نیروی اصلی و مؤثر در جامعه جمهوری آذربایجان است. هویت چندگانه نظام حاکم بر باکو، نه تنها اسلامگرایان ناب و پان ترکیست ها را راضی نمی سازد، بلکه غربی ها را نیز که به چیزی کمتر از همگرایی کامل آذربایجانی ها خرسند نیستند، را هم خشنود نمی نماید. وضعیت جاری در جامعه جمهوری آذربایجان، مرحله کشمکش بین هویت اعتقادی اسلامی با گرایشات شرقی و ایدئولوژی های ملی گرایانه و مدرنیته با گرایش به غرب است. در جمهوری آذربایجان، علاوه بر تداوم شیطنت های سیاسی مرتبط با پان ترکیسم چندی است، هم از سوی دولت حاکم و نیز توسط برخی نهادهای غیر رسمی داخلی و محافل وابسته به خارج، از جمله رسانه های گروهی، نشانه ها و نمودهایی از تقابل با نمادها، شاعران اسم های مذهبی بروز می کند. مسائلی چون: تعطیلی و تخریب برخی مساجد - انتشار بخش هایی از کتاب موهن آیات شیطانی - توهین به ساحت پیامبر(ص) و اخیراً موضوع ممنوعیت رعایت حجاب در مدارس جمهوری آذربایجان نمونه هایی از این دست است. هرچند برخی از این اقدامات به اعتقادات و تفکرات سکولار - لائیک - پان ترکیسم برخی طیف های داخلی در جامعه آذربایجان باز می گردد، اما تحلیل گران بر این باورند که برخی کشورهای خارجی از جمله آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی در تشدید این فضا تأثیر بسزایی داشته اند. این دیدگاه بر این راهبرد مبتنی است که تل آویو با هدف ممانعت از توسعه اندیشه های اسلامی - ایجاد زمینه برای گسترش نفوذ خود در آذربایجان و به خصوص مهار نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور مبادرت به تحریک قداست زدایی از اسلام در این جامعه مسلمان می کند. از منظر کارشناسان مسائل سیاسی نیز محور اختلاف نظر های تهران و باکو عبارتند از:

۱- هویت لائیک رژیم سیاسی حاکم بر باکو و گرایشات ملی گرایانه آن.

۲- نفوذ گسترده غرب در سیاست خارجی آذربایجان بویژه روابطش با آمریکا و رژیم صهیونیستی.

پی نوشت ها

۱- عهدنامه ننگین گلستان، بعد از ده سال جنگ و مقاومت دلیرانه ایرانیان در مقابل تجاوزها و خیره سری های روسیه تزاری، با همدستی و توطئه گری های مشترک روس و انگلیس بر دولت وقت ایران تحمیل شد. این فاجعه ملی در تاریخ ایران (۲۰ مهر ماه ۱۱۹۲ ش ۱۸۱۳ - م) موجب از دست رفتن بخش های وسیعی از سرزمین قفقاز ایران (گنجه، شکی، باکو، تفلیس، قره باغ و...) و اشغال این مناطق توسط روسیه شد.

۲- منظورش آذری (ترک زبان های) تبعه ج.ا. ایران است.

۳- بر اساس برآوردها هم اکنون تعداد پنجاه هزار آذری در اسرائیل و صد هزار اسرائیلی در آذربایجان زندگی می کنند و لابی اسرائیل - باکو همواره در ایجاد اختلال در نظم و امنیت و تمامیت ارضی ج.ا. ایران تلاش می نماید.

۴- همفر: : در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند، پس از آن که حجاب زن با تبلیغات و سعی از میان رفت. وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند و بدین وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان کاملاً از آنان تقلید کنند....

آیت الله تسخیری در دیدار بارهبران مجلس العلمای اندونزی:

جهان اسلام از علما انتظار رهبری بیداری اسلامی را دارد



دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و پروفیسور حاجی عمر شهاب، عضو هیئت رئیسه مجلس العلمای اندونزی به امضا رسید.

العلمای اندونزی، این مجلس را محبوب و مورد حمایت مردم معرفی کرد و افزود: امروزه ما با مشکلات و تهدیدات زیادی رو به رو هستیم که بحمدالله علیرغم تمامی سختی ها روز به روز مقاوم تر شده ایم و در دفاع از عقایدمان مصمم تر هستیم. امیدواریم که همکاریمان با مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به صورت مستمر و در جهت دفاع از اسلام و مقدسات باشد.

در پایان این نشست، تفاهم نامه همکاری فرهنگی بین مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مجلس العلمای اندونزی توسط آیت الله تسخیری،

توانیم در مقابل توطئه های بزرگ دشمنان اسلام که همان محو شخصیت های اخلاقی، فرهنگی و علمی مسلمانان است، بایستیم.

در ادامه، پروفیسور عمر شهاب، عضو هیئت رئیسه و از شخصیت های برجسته دینی اندونزی از حضور در ایران و دعوت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی جهت تبادل نظر و گسترش همکاری های فرهنگی بین دو کشور بزرگ اسلامی تشکر و قدردانی کرد.

همچنین در این نشست صمیمانه، دکتر حاجی محی الدین جنیدی، عضو هیئت رئیسه مجلس

آیت الله تسخیری با جمعی از علماء، اساتید و رهبران مجلس العلمای اندونزی دیدار و گفت و گو کرد. آیت الله تسخیری، اندونزی را بزرگترین کشور اسلامی خطاب کرد که نقش بزرگی در صیانت از ملت اسلامی ایفا میکند و تاریخچه سیصد ساله در خصوص مبارزه با استعمار هلند و دیگر کشورهای غربی را دارد.

وی افزود: علاقه وافری که بین علمای ایران و اندونزی حاکم است، تاثیر شگرفی بر جهان اسلام دارد؛ چرا که جهان امروز از علما انتظار رهبری بیداری اسلامی را دارد. اگر ما متحد نباشیم، نمی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

تعالی و پیشرفت نظام اسلامی در گرو تقریب بین مذاهب اسلامی است

در کشور باید منادیان وحدت اسلامی بوده و امید است با تربیت دانشجویانی متعهد و آگاه در این دانشگاه ها شاهد خدمات و فعالیت های گسترده ای در مسیر تقریب بین مذاهب اسلامی با محوریت دانشجویان و مجموعه دانشگاه مذاهب اسلامی شاخه کردستان باشیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به آرمان های والای انقلاب اسلامی، اظهار داشت: همانطور که امام راحل و مقام معظم رهبری فرموده اند: نظام ما نظام جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی در سایه حضور همه مسلمین از مذاهب مختلف اسلامی معنا پیدا می کند و تعالی و پیشرفت روزافزون نظام اسلامی در کشور مرهون اتحاد و انسجام اسلامی در کشور است.

افزود: سیره و شخصیت والای اهل بیت(ع) به عنوان محورهای وحدت بین مسلمین جهان باید مورد توجه قرار گیرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تقدیر از خدمات آیت الله تسخیری و تلاش های ایشان در مسیر تقریب بین مذاهب اسلامی، اظهار داشت: آیت الله تسخیری به عنوان چهره ای عالم و بارز در مسیر وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی تلاش های فراوانی انجام داده و دایر شدن دانشگاه مذاهب اسلامی شاخه کردستان یکی از مهمترین تلاش های برای تقریب بین مذاهب اسلامی و تقویت اتحاد و انسجام اسلامی در کشور به شمار می آید.

وی افزود: دانشجویان دانشگاه تقریب مذاهب

اسلامی منطقه، تصریح کرد: جبهه استکبار به دنبال خاموش کردن موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه است و در کشتار مردم بحرین و یمن و دیگر کشورها شریک جرم است.

حسینی خاطر نشان کرد: ایجاد تفرقه و اختلاف قومی و مذهبی در بین مسلمانان و حمایت از گروه های ترویسیتی و اختلال در امنیت و آرامش جوامع اسلامی از جمله اهداف کشورهای غربی و جبهه استکبار برای سرکوب انقلاب های مردمی و موج بیداری اسلامی است که باید در این مسیر همه مسلمانان با حفظ اتحاد و انسجام خویش توطئه های دشمنان را خنثی سازند.

وی با اشاره به ارادت اهل سنت به ویژه مسلمانان شافعی مذهب به اهل بیت پیامبر(ص)

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم افتتاح دانشگاه مذاهب اسلامی در سنجند، گفت: تعالی و پیشرفت نظام اسلامی در گرو تقریب بین مذاهب اسلامی است.

سید محمد حسینی در مراسم افتتاح دانشگاه مذاهب اسلامی شعبه کردستان در سنجند، اظهار داشت: تقریب بین مذاهب اسلامی و حفظ اتحاد و انسجام بین مسلمین در این برهه زمانی که دشمنان اسلام خدشه دار کردن اتحاد مسلمین را هدف اصلی برنامه های خویش قرار داده اند، از جمله ضروری ترین مباحثی است که باید مورد توجه همه مسلمین قرار گیرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به تحولات اخیر و بیداری اسلامی در کشورهای

معاون هیات العلمای اندونزی:

آمده ایم که ثابت کنیم بین شیعه و سنی هیچ تفاوتی وجود ندارد

شناسی که در آن رشته های تاریخ تشیع، فرق تشیع و کلام تشیع تدریس می شود. حجت الاسلام و المسلمین نواب اظهار داشت: ۹۰ درصد دانشجویان دانشگاه را طلاب علوم دینی تشکیل می دهند و دانشگاه تحت نظر وزارت علوم فعالیت قانونی و رسمی خود را دنبال می کند.

در ادامه، دکتر عمر شهاب، رئیس مجلس العلمای اندونزی، پس از تشکر از حضور در دانشگاه ادیان و مذاهب اظهار خرسندی نمود که دانشگاه ادیان به اختلافات و تشابهات موجود بین مذاهب اسلامی می پردازد. وی تاکید کرد: بررسی اختلافات و تفاوت های موجود بین مذاهب خود باعث رشد و سازندگی بیشتر علمای دین می شود.

عمر شهاب بار دیگر نسبت به وجود چنین دانشگاهی که درصدد رفع اختلافات و تعصب هاست اظهار خوشحالی کرده و با اشاره به حدیثی از امیرالمومنین گفت: هر که دین را می خواهد در علم است و هر که دنیا را می خواهد، آن نیز در علم است.

سخنران بعدی نشست دکتر جنیدی، معاون مجلس العلماء، بود. وی به معرفی تک اعضای گروه پرداخته و گفت: در اندونزی شش دین وجود دارد که دو تای آنها آسمانی و بقیه ادیان زمینی هستند. اسلام و مسیحیت در اندونزی وجود دارند، اما از یهودیت در این کشور خبری نیست.

وی به معرفی مجلس العلمای پرداخته و این شکل را دارای گسترده ترین نفوذ دینی در کشور دانست. جنیدی افزود: مجلس

اعضای مجلس العلمای اندونزی، با حضور در دانشگاه ادیان و مذاهب قم از این دانشگاه بازدید کرده و در نشست با رئیس دانشگاه، اعضای هیات علمی و تنی چند از شخصیت های علمی حوزوی شرکت نمودند.

خبرگزاری تقریب (تنا) در ابتدای جلسه حجت الاسلام و المسلمین نواب، رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب، ضمن خیر مقدم به میهمانان و حضار جلسه اظهار داشت: اندونزی به عنوان بزرگترین کشور اسلامی جهان مورد افتخار کل جهان اسلام می باشد. وی افزود: چندین بار به اندونزی سفر کرده و با علمای بزرگوار آن دیار دیدار داشته ام.

آقای نواب یادآور شد: این کشور بیشترین جمعیت مسلمانان را در خود جای داده و هرگز هیچ گونه تنش و مشکلی بین پیروان مذاهب مختلف این دین در اندونزی مشاهده نشده است.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب به معرفی گزیده ای از دانشگاه ادیان و مذاهب پرداخته و اعضای هیات علمی، روسای دانشکده ها، گروه های علمی و مسئولان اجرایی دانشگاه را به میهمانان معرفی نمود.

وی گفت: در این دانشگاه سه دانشکده وجود دارد. دانشکده ادیان که در آن ادیان ابراهیمی، ادیان غیر ابراهیمی و دین شناسی تدریس می شود. دانشکده مذاهب اسلامی که در آن مذاهب اسلامی فقهی، مذاهب اسلامی کلامی و مذاهب اسلامی با گرایش عرفان آموزش داده می شود. و دانشکده شیعه

پیشنهاد تشکیل مجلس شیعیان عربستان در

راستای ایجاد وحدت

صدها نفر از علما و نویسندگان عربستان سعودی بر ضرورت تشکیل رسمی 'مجلس شیعیان عربستان' به منظور ایجاد وحدت اسلامی تأکید کردند.

علمای شیعه عربستان سعودی در جلسه ای که در این کشور و با حضور صدها نفر از علما و نویسندگان شیعه مدینه منوره، احساء، دمام، خبر، جدّه و قطیف برگزار شد با بررسی مسائل و امور شیعیان این کشور، بر ضرورت تشکیل رسمی 'مجلس شیعیان عربستان' تأکید کردند.

پایگاه خبری الاشاره نوشت: در این جلسه سید علی سید ناصر السلمان از دمام، با اشاره به ضرورت تلاش برای تحقق امت واحده تحت شعار لا اله الا الله و محمد رسول الله گفت: شیعیان عربستان باید در این مسئله نقش ایفا کنند و باید ریشه های نفرت را از بین ببرند که در غیر این صورت موجب ایجاد فاصله بین شیعیان خواهد شد.

شیخ 'محمد عطیه' از شیعیان شهر جدّه نیز با اشاره به ضرورت وحدت شیعیان عربستان در راستای تلاش برای وحدت مسلمانان و وحدت ملی عربستان، گفت: از پایه های اساسی این وحدت، فعالیت در راستای تشکیل رسمی 'مجلس شیعیان عربستان' است.

شیخ 'صالح الجدعان' از علمای مدینه منوره نیز با اشاره به فواید گفت و گو میان شیعیان و فرهنگ گفت و گو تصریح کرد: نیازمند احیای گفتمان شیعی در عربستان به دور از هرگونه جدال هستیم و باید این فرهنگ قرآنی را با روش های مناسب ترویج کنیم.

بنابر این گزارش، شیخ 'عباس الموسی' از علمای دمام نیز عوامل تضعیف گفت و گوی شیعیان در عربستان را عدم توجه به اصول اساسی گفت و گو، اختلاف نسلی و عدم تعریف کلمه وحدت دانست و گفت: پیشنهاد واضح و روشن من تشکیل 'مجلس شیعیان عربستان' به صورت مستقل و با حضور علمای شیعه مناطق مختلف عربستان در جهت شفافیت تعامل میان شیعیان عربستان و بررسی مسائل آنان است.

العلمای سازمان اسلامی و سیاسی متعددی در این کشور در ارتباطی می باشد.

معاون مجلس العلمای اندونزی، تشکیل متبوعش را مجلسی مستقل و بی طرف دانسته و تاکید کرد که تحت اشراف حاکمیت نیست و این مجلس در اتخاذ آراء و مواضع خود از استقلال کامل برخوردار می باشد.

وی با یادآوری سفر جرج دبلیو بوش به اندونزی، گفت: ما در آن موقع سفر بوش به اندونزی را حرام اعلام کردیم و راه پیمایی های اعتراضی گسترده ای را در کشور سازماندهی نمودیم و حکومت هم هیچ کاری را در مقابل این فعالیت های ما انجام نداد.

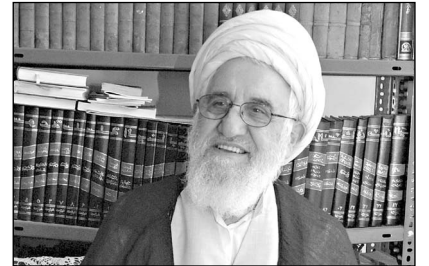
دکتر جنیدی خواستار امضای توافقنامه همکاری در راستای تبادل استاد و دانشجو با دانشگاه ادیان و مذاهب گردید. وی همچنین به منظور برگزاری نشست ها و همایش های علمی در اندونزی از استادان و متفکران ایران دعوت به عمل آورد.

وی با اشاره به وجود شیعیان در کشورش تاکید کرد: آمده ایم که ثابت کنیم بین شیعه و سنی هیچ فرقی نیست، همه یکی هستیم و هیچ سوء تفاهمی بین ما وجود ندارد.

معاون مجلس العلمای اندونزی خواستار اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان اندونزیایی جهت تحصیل در دانشگاه ادیان و مذاهب گردیده و افزود: خواهان آمدن دانشجویان اندونزی به دانشگاه ادیان و مذاهب هستیم، تا با آمدن به این دانشگاه و تحصیل، افرادی عالم، دانشمند و غیر متعصب را در کشور خود داشته باشیم.

آیت الله زین العابدین قربانی:

وحدت شیعه و سنی در ایران الگوی دیگر کشورهای اسلامی است



فاطمه(س) در طول دوران عمر با برکت خود همواره در خط امامت و ولایت بود.

وی با بیان این که حضرت فاطمه(س) الگویی برای همه زنان دنیا است، افزود: بانوان جامعه اسلامی باید در همه امور این بانوی ارزشمند اسلام را الگوی خود قرار دهند، چون در این صورت به سعادت و تعالی خواهند رسید.

امام جمعه رشت در ادامه سخنان خود با اشاره به این که خوشبختانه شیعه و سنی در جمهوری اسلامی ایران در وحدت و همدلی کامل در کنار هم زندگی می کنند، خاطرنشان کرد: امروز وحدت میان برادران و خواهران شیعه و سنی در کشورمان الگویی برای همه کشورهای اسلامی است. نماینده ولی فقیه در گیلان با بیان این که جمعیت اهل سنت استان نیز همراه و همگام با مردم و مسؤولان قرار دارند، ادامه داد: این وحدت و همبستگی موجود در استان جای

امام جمعه رشت، تفرقه و اختلاف را یکی از توطئه های چندین ساله دشمنان علیه اسلام و مسلمانان دانست و تصریح کرد: مخالفان ملت های مسلمان امروز نیز همه تلاش خود را برای فراهم کردن بذر اختلاف و تفرقه در میان کشورهای اسلامی به کار گرفته اند.

آیت الله زین العابدین قربانی، نماینده ولی فقیه در گیلان در دیدار جمعی از روحانیان اهل سنت استان در رشت، با تسلیت ایام فاطمیه به ویژگی های این بانوی نمونه اسلام اشاره کرد و گفت: حضرت

حجت الاسلام والمسلمین زمانی:

الازهر همانند یک دژ در مقابل وهابیت ایستاده است



شناسی داشته باشد و استادی از الازهر در آن مشغول به تدریس نباشد.

زمانی تاکید کرد که عربستانی ها در قیاس با الازهر در عرصه های علمی از جایگاه قابل توجهی برخوردار نیستند، اما در عرصه های تبلیغی بسیار کار کرده اند.

معاون بین الملل حوزه با اشاره به ساختار الازهر خاطرنشان کرد: الازهر سازمان دینی کشور مصر است که از سه بخش تشکیل شده است:

۱- دانشگاه الازهر که معروفترین قسمت این مجموعه می باشد.

۲- مجمع البحوث الاسلامیه که معاونت پژوهشی و ستادی الازهر و لنگر علمی این تشکیلات به شمار می رود.

۳- مشیخه الازهر که در واقع دفتر مدیریت شیخ الازهر می باشد و از بخش های متعددی تشکیل شده است.

در ادامه، حجت الاسلام و المسلمین زمانی به شاخص های مهم تقریب در مصر پرداخته و اظهار داشت: ضدیت با وهابیت یکی از مهمترین شاخصه های تقریب در مصر می باشد. الازهر همانند دژی در مقابل وهابیت ایستاده است. وی افزود: با وجود آنکه عربستان هزینه های زیادی برای داخل کردن وهابیت در مصر نموده، اما به موفقیتی دست نیافته است.

زمانی با اشاره به وجود تفکر تقریب در الازهر، تاکید کرد: تفکر تقریب در درون الازهر نهادینه شده و الازهری ها به همکاری با شیعه باور و اعتقاد دارند.

وی ارادت الازهر و الازهری ها به اهل بیت را یکی دیگر از شاخص مهم تقریب در مصر عنوان نموده و از اعتقاد اهل تسنن به مقامات علمی و معنوی ائمه یاد کرد. وی گفت: اعتقاد به مقامات معنوی اهل بیت در مصر تاحدی است که بعضاً (همانند شیعیان) معتقدند که ائمه واسطه فیض می باشند.

دکتر زمانی از زیارتگاه های موجود در

نشست "ظرفیت های تقریب دانشگاه الازهر" به همت دفتر تقریب دانشگاه ادیان و مذاهب قم با حضور حجت الاسلام و المسلمین زمانی، مسئول معاونت بین الملل حوزه علمیه، در سالن شهید بهشتی این دانشگاه برگزار گردید.

دکتر زمانی در ابتدای جلسه فلسفه اصلی شکل گیری معاونت بین الملل حوزه علمیه را، حضور بخشیدن به حوزوی ها در عرصه های فرهنگی بین المللی عنوان کرده و افزود: می خواهیم آنچه را که در حوزه داریم، در اختیار جامعه جهانی قرار دهیم.

وی تصریح کرد: بشریت تشنه حقیقت است و قم سرچشمه حقیقت. وی خطاب به دانشجویان و حضار جلسه از آنها خواست که بر کار و تلاش خود در عرصه های مختلف علمی افزوده و از فضای علمی موجود در قم استفاده کنند، تا بتوانند در عرصه های بین المللی فعالیت داشته و پاسخگوی نیازهای موجود در این عرصه باشند.

حجت الاسلام و المسلمین زمانی در ادامه با اشاره به مصر و جایگاه آن، از الازهر، شیعیان مصر، اهل سنت معتقد به امامت ائمه اهل بیت، طریقت های تصوف، زیارتگاه های اهل بیت در مصر و دارالتقریب به عنوان برخی از قابلیت ها و ظرفیت های تقریبی موجود در این کشور یاد کرد.

وی گفت: دانشگاه الازهر دارای سه ویژگی برجسته و منحصر به فرد می باشد:

۱- با بیش از هزار سال قدمت کهن ترین دانشگاه اسلامی در جهان اهل سنت به شمار می رود.

۲- با حدود نیم میلیون دانشجوی بزرگترین دانشگاه جهان اسلام است.

۳- متنفذ ترین دانشگاه جهان اسلام می باشد. این دانشگاه در اعزام استاد به دانشگاه های سرتاسر دنیا مقام اول را در اختیار دارد. کمتر دانشگاهی در دنیا است که کرسی اسلام

امام جمعه سنندج:

مقابله با گروه های تروریستی و تکفیری بر

همه مردم شرعا و مذهبا واجب است

امام جمعه سنندج در خطبه های نماز جمعه این هفته با محکوم کردن فعالیت های جنایتکارانه گروه های تکفیری و تروریستی در استان کردستان، گفت: مقابله با گروه های تروریستی و تکفیری بر همه مردم شرعا و مذهبا واجب است.

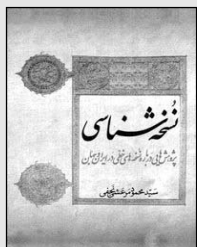
به گزارش خبرنگار تقریب از سنندج، ماموستا حسام الدین مجتهدی در خطبه های نماز جمعه این هفته شهر سنندج، اظهار داشت: امنیت و آسایش اجتماعی از مهمترین نعمت های الهی به شمار آمده و بر همه مسلمانان واجب است که در حفظ آن کوشا باشند.

امام جمعه سنندج با محکوم کردن فعالیت های جنایتکارانه گروه های تروریستی و تکفیری در چند ماه اخیر در استان کردستان، تصریح کرد: به قتل رساندن هر فرد بی گناه و مسلمان همانند کشتن همه مسلمانان است و گروه های تکفیری باید بدانند که کار آنان از سوی همه مسلمانان و حتی وجدان های بیدار همه انسان ها امری قبیح و محکوم شده است.

ماموستا مجتهدی با تقدیر از خدمات نیروهای امنیتی و اطلاعاتی استان کردستان در شناسایی و انهدام این گروه های تروریستی، افزود: مردم مسلمان و همیشه در صحنه کردستان باید کمال همکاری را با نیروهای امنیتی در شناسایی و معرفی این افراد جنایتکار و ضد بشری انجام دهند.

امام جمعه سنندج در بخشی دیگر از خطبه های نماز جمعه این هفته به مصوبات دور سوم سفر هیئت دولت به کردستان اشاره کرد و افزود: نظام مقدس اسلامی خدمات شایان توجهی به مردم کردستان ارائه داده و دولت دهم نیز با تصویب طرح ها و پروژه های مختلف در این سفر نوید آینده ای روشن را به همه کردستانی ها برای رفع محرومیت، فقر، بیکاری و توسعه همه جانبه را داده است که امید است با تعامل گسترده مردم و مسئولان این مهم محقق شود.

انتشار جلد هفتم کتاب نسخه شناسی



حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی، در جلد هفتم مجموعه نسخه شناسی به معرفی علمای تقریب مذاهب پرداخته و افرادی چون، سید مرتضی (ره)، شیخ طوسی (ره)، علامه حلی، شیخ بهایی، علامه مجلسی، آیت الله العظمی بروجردی را در زمره پیشگامان تقریب مذاهب بر شمرده است.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بنا به سنت علمای سلف شیعه، یکی از علمای پیشگام در تقریب مذاهب به شمار می رفته است. گفته می شود که وی در جلسات درس علمای اهل سنت در عراق شرکت داشته و ارتباطی قابل توجهی را با آنان به وجود آورده بوده است.

این مرجع فقیه به شکلی واقعی و عینی در راه تفاهم هرچه بیشتر و نزدیک سازی مذاهب مختلف و علما با یکدیگر و ایجاد زمینه های گسترده ارتباطات همه جانبه کوشیده است.

در جلد هفتم کتاب نسخه شناسی تاکید شده است که باز شدن دست استعمار باعث دامنه دار تر شدن اختلافات و تفرقه ها گردید تا آنجا که مسلمانان روز به روز ضعیف تر و شکننده تر شده و در چنگ استعمار خونخوار گرفتار گردیدند.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی همچنین جهت هر چه بیشتر وحدت علمای اسلام، از تعداد بسیاری از مشایخ روایی و فقهای اهل سنت، اجازه روایت دریافت کردند و یا به آنان اجازه روایت دادند که به این اجازات روایت طرفینی، اصطلاحاً "مدیحه" می گویند. نقل می شود که این مرجع و ارسته با دریافت بیش از چهارصد اجازه روایی از مشایخ اسلام نایل در حقیقت به "شیخ الاجازه" عصر خویش بدل گشته است.

آیت الله العظمی مرعشی در آغاز دوره تحصیلی خود در عراق در محفل درسی علمای طراز اول اهل سنت عراق مانند شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی، سیدابراهیم موسوی رفاعی شافعی بغدادی و... شرکت نموده و از مباحث و تقریرات درسی آنها استفاده نموده است.

گفتنی است که جلد هفتم کتاب "نسخه شناسی" در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه، توسط انتشارات صحیفه خرد با همکاری کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی به چاپ رسیده است.

مصر به عنوان یکی دیگر از شاخص های تقریب در این کشور یاد کرده و اظهار داشت: در قاهره سه زیارتگاه وجود دارد که کعبه دل های مشتاق می باشد.

به گفته زمانی سه زیارتگاه قاهره به این قرار هستند:

۱- حرم امام حسین (ع)، راس الحسین یا مسجد سیدنا الحسین. زیارتگاه اصلی مردم مصر به شمار می رود. اهل سنت در این محل زیارتنامه می خوانند. در این مکان ضریح وجود دارد و مردم در و دیوار و ضریح را بوسیده، از آنها تبرک جسته و به امام متوسل می شوند. بزرگترین نماز جمعه اهل تسنن مصر در این مکان برگزار می شود. گفتنی است که در ایام میلاد امام حسین (ع) ده شب جشن در این محل مقدس برگزار می شود و مراسم خطابه، مداحی، نذری پزی و توزیع شربت و شیرینی وجود دارد. به گفته حجت الاسلام و المسلمین زمانی، اهل تسنن مصر در این مراسم گوی سبقت را از شیعیان هم ربوده اند.

۲- حرم حضرت زینب (س)، در این مکان مقدس نیز ضریح و بارگاه وجود دارد و نماز جمعه برقرار می شود. در ایام تولد حضرت زینب (س) یک هفته مراسم جشن برگزار می شود.

۳- زیارتگاه سیده نفیسه، نوه امام حسن مجتبی (ع) و عروس امام جعفر صادق (ع)، دکتر محمد حسن زمانی در پایان به وجود مدفن برخی از ائمه علمی و فقهی اهل سنت در قاهره نیز اشاره نمود.

هشدار آیت الله مصباح به فراماسوئری جدید



نکردید چه عذری می توانیم بیاوریم؟! آیت الله مصباح یزدی با اشاره به تاریخ صدر اسلام گفت: همان کسانی که از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند پس از رحلت ایشان علی علیه السلام را خانه نشین کردند، و بنی امیه که با نام اسلام بر سرکار آمدند کاری کردند که بر همه منابر به لعن علی علیه السلام می پرداختند و مجاهدان و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اعتراضی نکردند؛ پس جای تعجب نیست اگر برخی از یاران امام، روزی علیه اسلام و انقلاب به پا خیزند (همانگونه که سران فتنه گذشته این چنین کردند)، و جای تعجب نخواهد بود اگر برخی از کسانی که امروز دم از رهبری می زنند و از یاران رهبری هستند، فردا فتنه بزرگتری را به وجود آورند.

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه داد: خطری که من احساس می کنم شدیدترین خطری است که تاکنون اسلام را تهدید کرده است و آن هم از سوی نفوذی هایی است که در بین خودی ها در حال رشد هستند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:

توجه حضرت فاطمه (س) به مصالح جامعه اسلامی،

الگوی هوشمندانه ای را برای همه زمان ها ترسیم کرد

ای را برای همه زمان های تاریخ ترسیم می کند که باید نسبت به آن توجه داشت. آقای احمد مبلغی نسبت به عدم وجود یک نگاه جامع نسبت به شخصیت حضرت فاطمه زهرا (س) اظهار تأسف نموده و اظهار داشت: نسل امروز ما می خواهد بداند چگونه می تواند زوایای شخصیتی این بانوی بزرگ جهان بشریت را در زندگی خود داشته باشد و انعکاس ببخشد.

وی در پایان خواستار تلاش جدی نخبگان و اندیشمندان در راستای معرفی بیش از پیش حضرت زهرا (س) در زمینه هایی گوناگونی چون زمینه های اجتماعی و ... گردید.

اسلام پیش آمد، امروز نیز فراماسوئری با شعارهای انقلاب و اسلام جلوه می کند و تحت پوشش آن حرف خود را بیان می کند، یعنی قالب را حفظ و محتوا را عوض می کند.

اگر تبلی کنیم می بینیم همان کسانی فتنه را آغاز کرده اند که خود پرورش داده ایم

وی ادامه داد: چگونه کسی که در عمرش با عالمی ارتباط نداشته و علاوه بر آن هر روز ضربه ای به اسلام می زند، می تواند برای اسلام مفید باشد، و معلوم نیست چه شده که برخی نیز به آن هادل بسته اند! استاد اخلاق حوزه علمیه قم گفت: اگر تبلی کنیم زمانی از خواب غفلت بیدار می شویم که تیرگی فتنه همه جا را فراگرفته است و می بینیم همان کسانی فتنه را آغاز کرده اند که خود پرورش داده ایم. این عزل و نصب ها از کجا در می آید؟ این حرف های ملی گرایانه و مکتب ایرانی، آن هم در زمانی که نهضت اسلامی در جهان اسلام در حال شکل گیری است، برای چیست؟ ملی گرایی و دم زدن از مکتب ایرانی با چه انگیزه ای می تواند صورت بگیرد؟

این متفکر اسلامی افزود: اگر روزی از ما بپرسند چرا برای تساوی ارث زن و مرد کاری نکردید شاید بتوانیم عذری بیاوریم، ولی اگر به ما بگویند چرا اساس اسلام را حفظ

و حتی قوانینی بوده است که با رأی قاطع تصویب شده و شورای نگهبان نیز تأیید کرده، اما از آنجا که مطابق میل مجریان نبوده، متروک مانده است.

علامه مصباح یزدی ادامه داد: پس مشخص می شود آنچه اهمیت دارد تقویت اعتقاد قلبی مردم و مسئولان به اسلام است که در این صورت حاضرند تا پای جان برای آن ایستادگی کنند.

علامه مصباح یزدی با اشاره به لزوم فعالیت و تلاش در دو جهت فکری ادامه داد: اول آنکه اسلام به طور کامل در نظر گرفته شود و تجزیه نشود، چرا که اگر مثلاً مسأله حقوق زن حل شود و دیگر بخش های اسلام اجرا نشود، اثری نخواهد بخشید و باز هم ضعف وجود خواهد داشت.

عضو خبرگان رهبری خاطر نشان کرد: اگر روزی مسئولینی بر سرکار آیند که در ابدی بودن احکام اسلام تشکیک کنند - همان گونه که در دوره ای چنین شد - اساس اسلام زیر سؤال می رود و جایی برای بحث هایی مانند حقوق زن در اسلام و غیره باقی نمی ماند.

وی ادامه داد: دومین فعالیتی که باید صورت گیرد پی بردن به عمق اسلام و عقیده قلبی نسبت به آن به ویژه در مسائل اعتقادی، و عمل به اسلام است.

آیت الله مصباح یزدی با هشدار به مسئولان گفت: امروزه در درون جامعه ما تشکیلاتی فراماسوئری در حال شکل گرفتن است، و همان طور که در دوران مشروطه، فراماسوئری با شعار قرآن و

رشد در یک بخش نمی تواند راهگشا باشد، در کشور ما و دیگر کشورها جانیتاده است.

عضو خبرگان رهبری در توضیح مطلب فوق ادامه داد: این که می گوئیم اسلام جامع بوده و همه چیز از فرهنگ و اقتصاد گرفته تا حقوق و سیاست در آن وجود دارد، نه بدان معناست که هر کدام بخش مستقلی است، بلکه همه این بخش ها به هم پیوسته و در یکدیگر تأثیر گذارند.

آیت الله مصباح یزدی با اشاره به اینکه هر بخش از اسلام دارای لایه های مختلف است، دومین مشکل را نگاه سطحی به اسلام دانست و اظهار داشت: اگر به لایه های عمیق آن توجه نکنیم چه بسا در درازمدت دین را از بین ببریم، چرا که نگاه سطحی به اسلام مانند درختی است که ریشه ای ندارد.

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ادامه به عنوان نمونه به مسأله ولایت فقیه اشاره کرد و گفت: حتی در بین مسئولان نیز کسانی که واقعا ولایت فقیه را شناخته و بدان اعتقاد دارند کم اند و حتی عده ای معتقدند این که یک روحانی آن هم به حکم دین در رأس مسائل کشور قرار بگیرد، امری اشتباه است.

وی افزود: با وجود این مشکلات، اگر هزار بار درباره حقوق زن تحقیق و اجتهاد کرده و مراجع هم نظر بدهند، ولی مسئولان کشور به آن اعتقاد نداشته باشند اصلاً تصویب و اجرا نخواهد شد

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی، رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در دیدار با جمعی از مسئولان شورای عالی زنان با اشاره به نعمت پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری حضرت امام خمینی (ره) و جانشین شایسته اش گفت: امروز بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی می گذرد و فعالیت های بسیار زیادی در نظام صورت گرفته و گاه باعث بهت جهانیان شده است، اما هنوز تا رسیدن به نقطه ایده آل فاصله بسیاری داریم.

آیت الله مصباح یزدی که در سالن تشریفات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) سخن می گفت با بیان این که نواقص و مشکلاتی در این سه دهه باعث شده تا به اسلام ناب نرسیم ادامه داد: باید مسایل را به صورت ریشه ای حل کرد و مشکلات و نواقصی را که جلوی تحقق این امر را گرفته اند شناسایی و در جهت رفع آنها برآمد.

وی با اشاره به وجود دو مشکل در بعد شناخت و بینش گفت: به اسلام باید به عنوان یک مجموعه ارگانیک نظر کرد، یعنی بدانیم اسلام مجموعه ای است که اعضایش تأثیر و تأثر متقابل در یکدیگر دارند و همه اعضای آن زمینه رسیدن به هدف واحد را فراهم می کنند.

وی اولین مشکل را عدم این نوع بینش در کشور دانست و گفت: متأسفانه این نگرش که همه بخش های اسلام مانند پیکره واحدی است که تنها

آیت الله جوادی آملی در دیدار با فراکسیون دانشگاهیان:

نتیجه «ایران منهای اسلام» چیزی جز ذلت نیست



آیت الله جوادی آملی در دیدار با اعضای فراکسیون دانشگاهیان مجلس با تأکید بر اینکه نتیجه ایران منهای اسلام چیزی جز ذلت نیست، گفت: نتیجه ایران منهای اسلام در جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و کودتای ننگین ۲۸ مرداد مشخص شد.

آیت الله جوادی آملی در دیدار رئیس و تعدادی از اعضای فراکسیون دانشگاهیان

مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: نتیجه ایران منهای اسلام چیزی جز ذلت نیست، وقتی دین از جامعه گرفته شد، مثل تفاله گلی است که گلاب از آن استخراج شده است.

وی افزود: نتیجه ایران منهای اسلام در جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و کودتای ننگین ۲۸ مرداد مشخص شد، اما وقتی که سخن از دین مطرح شد، با اینکه افراد زیادی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی شهید شدند، اما شعار رسمی مردم مرگ بر شاه بود.

ایشان در ادامه تصریح کردند: برخی ها اعتقاد دارند که مرگ پایان راه است، اما دین می گوید مرگ پایان راه نیست، بلکه هجرت است، یعنی انسان مرگ را می میراند و ابدی می شود، نه اینکه مرگ، انسان را بمیراند.

آیت الله جوادی آملی با یادآوری اینکه مردم ما مسلمان هستند اما باید درست تغذیه شوند، تأکید کرد: یک میلیون از ۷۰ میلیون نفر جمعیت کشور، دینشان را از روی تحقیق کسب کردند، اما بقیه آنها دینشان را از علما و نماز جماعت و مرجعیت و مساجد و حسینیه ها دارند؛ اگر خدایی نکرده اینها نباشند، باز هم کودتاها و ذلت ها به وجود می آید.

وی یادآور شد: مردم را باید آگاه و روشن کنیم و اگر خدایی نکرده مردم روشن نشوند، حوادث تلخی پیش می آید

و عده ای خانه نشین می شوند و رنج می برند. ایشان در بخش دیگری از سخنانش بر لزوم توجه به مسئله اقتصاد در کنار مسئله فرهنگ و دانشگاه، تأکید کردند و متذکر شد: اگر دین نباشد، جامعه آسیب جدی می بیند، که قابل ترمیم نیست، دین هم به وسیله حوزه و دانشگاه ترویج می شود.

آیت الله جوادی آملی اسلامی شدن دانشگاه را مورد تأکید قرار داد و افزود: اسلامی شدن دانشگاه به این نیست که در این مراکز نمازخانه احداث شود و دخترها و پسرها از همدیگر جدا باشند و در کتاب های درسی که چاپ می شوند، آرم جمهوری اسلامی و عکس امام و رهبری درج شود.

وی در همین رابطه تصریح کرد: بنابراین باید برای اسلامی شدن دانشگاه، ابتدا دانش را اسلامی کنیم؛ معنای اسلامی شدن دانشگاه هم این است که ما چیزی به نام طبیعت نداریم و هر چه داریم خلقت است.

وی ادامه داد: ما باید این باور عالمانه و محققانه را داشته باشیم که طبیعت چیزی جز خرافه و فسوف و فسانه نیست.

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه نباید با باورهای مردم بازی شود، اظهار داشت: اگر خدایی نکرده با باورهای مردم بازی کردیم، هر کسی که بازیگرتر شده است، برنده می شود.

وی اضافه کرد: هندی ها با اینکه چیزهایی را تقدیس می کنند که از نظر ما حتی ارزش گفتن ندارد، سالیان سال است به انرژی هسته ای دست یافته اند و ما با داشتن علی ابن ابیطالب علیه السلام که دومی ندارد و داشتن کربلا که نمونه ای ندارد، باید بهتر از این، کشور را اداره کنیم.

بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی خسرو شاهی

سر دبیر:

سید محمود خسرو شاهی
دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com